




Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

 <https://doi.org/10.22067/jgrd.2022.77467.1161>

مقاله پژوهشی-مطالعه موردی

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال بیست و یکم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۲، شماره پیاپی ۴۳

ارزیابی اثرات اقتصادی-اجتماعی اجرای طرح‌های اسکان بر کیفیت زندگی عشایر (مطالعه موردی: عشایر شهرستان خواف)

محمدحسین جعفری (دانشجوی دکتری گروه جغرافیا، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران)

mh.jafari90@yahoo.com

حمید جعفری (دانشیار گروه جغرافیا، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

jafari1421@mshdiau.ac.ir

کتایون علیزاده (دانشیار گروه جغرافیا، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران)

katayoonalizadeh62@gmail.com

صص ۱۰۳ - ۶۷

چکیده

از جمله راهبردهای توسعه جامعه عشایری، اسکان عشایر است که آثار و پیامدهای مختلفی بر جای می‌گذارد. پیامدهای اجرای طرح اسکان به‌طور کلی می‌تواند بر کیفیت زندگی عشایر در ابعاد مختلف اقتصادی و اجتماعی اثرگذار باشد. هدف این تحقیق، ارزیابی اثرات اقتصادی و اجتماعی اجرای طرح اسکان در کیفیت زندگی عشایر شهرستان خواف در چهار کانون چاه زول، بنیاباد، نهور و ده خطیب بود. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و نوع تحقیق کاربردی بود. در گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و میدانی (پرسش‌نامه و مصاحبه) استفاده شد. جامعه آماری تحقیق شامل تمامی خانوارهای عشایر چهار کانون بود. براساس آمار سال ۱۳۹۷، این چهار کانون ۷۷۹ خانوار جمعیت داشت که برای تعیین حجم نمونه طبق فرمول کوکران، ۲۵۸ خانوار محاسبه شد و به انتخاب خانوارها از نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شد. برای تحلیل یافته‌ها از نرم‌افزار SPSS و مدل تصمیم‌گیری چند معیاره Vikor

استفاده شد. یافته‌های بررسی میانگین اثرات اقتصادی-اجتماعی اجرای طرح‌های اسکان نشان داد که میزان عوامل اصلی تأثیرگذار بر کیفیت زندگی عشایر در کانون‌های توسعه در حد بالاست. بیشترین میانگین در بعد اقتصادی به کانون ده خطیب با میانگین ۳,۹۶ و کمترین میانگین متعلق به کانون بنیاباد با میانگین ۳,۵۹ و در بعد اجتماعی بیشترین میانگین مربوط به کانون ده خطیب با میانگین ۴,۲۹ و کمترین میانگین متعلق به کانون بنیاباد با میانگین ۳,۹۸ است. همچنین نتایج اولویت‌بندی با مدل ویکور نشان داد که کانون‌های نهور و ده خطیب با توجه به شاخص‌های آثار اقتصادی و اجتماعی اجرای طرح اسکان بر بهبود کیفیت زندگی در منطقه مطالعه شده در بهترین رتبه قرار دارند و کانون‌های چاه زول و بنیاباد در پایین‌ترین رتبه قرار می‌گیرند.

کلیدواژه‌ها: ارزیابی، آثار اقتصادی و اجتماعی، اسکان عشایر، کیفیت زندگی، شهرستان خواف.

۱. مقدمه

از گذشته‌های دور سه شیوه معیشت (کوچندگی عشایر، روستانشینی و شهرنشینی) در سرزمین ایران وجود داشته است. نمی‌توان آغاز کوچندگی را در ایران معلوم کرد، ولی به عقیده بیشتر دانشمندان ایران‌پژوه، این شیوه، تاریخی به درازای زندگی انسان در این سرزمین دارد (بخشنده نصرت و میراج، ۱۳۹۰ ص. ۱۷). زندگی شبانی (عشایری) مبتنی بر کوچ در ایران از سابقه کهنی برخوردار است؛ به طوری که حدود یک قرن پیش قسمت عمده‌ای از جمعیت کشور را عشایر تشکیل می‌دادند و در صحنه سیاسی نیز جامعه عشایری طی قرون متمادی از نقش اجتماعی-اقتصادی-قدرت و اقتدار سیاسی زیادی برخوردار بودند؛ در مراحل از تاریخ ایران، عشایر حاکمیت سیاسی کشور و برخی از سرزمین‌های اطراف را در اختیار داشتند و می‌توان گفت عشایر همیشه نقش بسیار مهمی در تاریخ این سرزمین ایفا کرده‌اند (سازمان امور عشایر ایران، ۱۳۹۰ ص. ۵۱). امروزه جامعه عشایری ایران به‌عنوان واقعیت اجتماعی و بخشی از ساختار تاریخی، فرهنگی فعال از پیکره جامعه ملی است. نسبت جمعیت آنان کمتر از جمعیت شهر و روستا است، اما تأثیر اقتصادی، اجتماعی و نقش دفاعی

و مرزرداری آنان انکارناپذیر است و بدون تردید یکی از میراث‌های گران‌قدر و ضروری ایران زمین هستند که چندین برابر نسبت جمعیتی خود در تأمین مواد پروتئینی، به‌ویژه گوشت قرمز کشور نقش دارند (سازمان امور عشایر ایران، ۱۳۸۴ ص. ۲). از نظر جمعیتی و برابر با آخرین سرشماری جامعه عشایری در سال ۱۳۸۷، جمعیت عشایر کشور برابر با ۲۱۲۶۶۰ خانوار و حدود ۱۲۰۰۰۰۰ نفر بود که حدود ۱/۷ درصد جمعیت کشور را شامل شد و با داشتن ۲۵ میلیون واحد دامی (۲۸ درصد دام سبک و ۴ درصد دام سنگین کشور) حدود ۲۰ درصد مواد پروتئینی و سایر فراورده‌های دامی و ۳۵ درصد صنایع‌دستی کشور را تولید کردند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۸ ص. ۳۰). این نوع جوامع به دلیل ویژگی‌های خاص خود از جمله ابتدایی بودن زندگی آنان، وضعیت اقتصادی نابسامان، سطح نامطلوب زندگی، سطح پائین فناوری، پایین بودن سطح سواد و... مشکلات متعددی دارند که به توجه و شناخت هرچه بیشتر نارسایی‌های مربوط به این قشر و توسعه آن نیاز است (دهقانی و همکاران، ۱۳۹۱ ص. ۷۹؛ جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۲ ص. ۸۴).

بحث اسکان عشایر از زمان پهلوی اول (به دلایل سیاسی) و دوران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی (به دلایل خدمات‌رسانی بهتر و ارتقای زندگی عشایر) مطرح شد و به‌ویژه از سال ۱۳۷۱ این مبحث در قالب کانون‌های اسکان هدایتی و خودجوش تبلور پیدا کرد. از آن زمان تاکنون کانون‌های متعددی در نقاط مختلف کشور شناسایی شده است که برای بسیاری از این کانون‌ها مطالعات اجمالی، نیمه‌تفصیلی و تفصیلی صورت گرفته و عملیات اجرایی اسکان آن‌ها انجام شده یا در حال انجام است و بسیاری از این کانون‌ها نیز در حد شناسایی یا در حد مطالعات اجمالی‌اند (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۸۴ ص. ۴۳). در برنامه‌ریزی کانون‌های اسکان هدایتی، دولت حضور مستقیم در شناسایی محل کانون، عشایر متقاضی اسکان، تجهیز کانون، ایجاد اشتغال در کانون‌ها و... دارد، اما در کانون‌های خودجوش که توسط عشایر مکان‌یابی می‌شود، دولت نقش کمتری دارد و بیشتر در زمینه‌های مختلف از جمله آموزش و ترویج، تأمین تسهیلات بانکی، تأمین علوفه دام، کمک به اجرای طرح‌های تولیدی و... خدمات‌رسانی می‌کند (رحیمی و مشیری، ۱۳۸۸ ص. ۴).

اتخاذ سیاست اسکان عشایر توسط برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران به‌ویژه از برنامه دوم توسعه بعد از انقلاب اسلامی (۱۳۷۸-۱۳۷۴) تاکنون، باعث شده است تا میلیاردها ریال اعتبار دولتی و غیردولتی در این زمینه هزینه شده و کانون‌های هدایتی و خودجوش متعددی ایجاد و تجهیز شود. حال در پرتو اهداف طرح اسکان و سامان‌دهی عشایر و با توجه به این اصل که اسکان عشایر کوچنده در عین حال که خود حاصل تغییرات و تحولاتی در ساخت‌ها و ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه عشایری است و به نحو بارزی می‌تواند منشأ و علت تغییرات و تحولات جدیدی به‌خصوص در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، محیطی و... شود، می‌توان مدعی شد که وقوف بر این تحولات و شناخت اثرات اسکان عشایر کوچنده در ابعاد و وجوه مختلف، در گرو انجام مطالعات و پژوهش‌های علمی دقیق و منظم است (دهقانی و همکاران، ۱۳۹۱ ص. ۸۱).

در آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵، استان خراسان رضوی دارای ۳۵ کانون توسعه اسکان عشایری است. عشایر استان در سطح ۱۳ شهرستان (مشهد، کلات، سرخس، چناران، قوچان، درگز، نیشابور، سبزوار، خوشاب، خواف، کاشمر، خلیل‌آباد و بردسکن) پراکنده‌اند. جمعیت عشایر ۷۰۰۵ خانوار معادل ۳۵۰۲۷ نفر است. این جمعیت عشایری دارای ۹۹۵۰۰۰ واحد دامی (۱۰ درصد دام استان) است و بیش از ۶۰ درصد از مساحت استان را در قلمرو کوچ خود دارند. همچنین حدود ۱,۶ میلیون هکتار مراتع (۲۲ درصد از مراتع استان) به عشایر متعلق است. پس از گذشت چند دهه از طرح و اجرای مسئله اسکان، هنوز ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، محیطی و سیاسی آن در مناطق مختلف آشکار نیست؛ حال آنکه اولین نیاز برنامه‌ریزی، داشتن شناخت کامل و ارزیابی صحیح از اقدامات صورت گرفته است. در منطقه مطالعه‌شده، پنج طایفه عشایری (بهلولی، دلاکه، کلندرزی، اردنی، تاجیک) حضور دارند که در چهار کانون توسعه اسکان یافته‌اند؛ بر این اساس، ارزیابی آثار اجرای طرح‌های اسکان بر بهبود کیفیت زندگی عشایر می‌تواند ما را در اجرای هرچه موفق‌تر و بهتر فرایند طرح اسکان کمک کند تا از یک سو، استفاده بهینه‌ای از اعتبارات موجود شود و از سوی دیگر شرایط اسکان پایدار برای خانوارهای عشایری اسکان یافته و در حال اسکان فراهم آورد. در این راستا سؤال اصلی تحقیق عبارت از این

است: اجرای طرح‌های اسکان چه تأثیری در ابعاد اقتصادی و اجتماعی کیفیت زندگی عشایر داشته است؟

۲. پیشینه تحقیق

در بررسی پیشینه پژوهش عموماً سعی بر مرور مطالب، تأمل بر پژوهش‌های مرتبط با موضوع و تحلیل آن‌ها است؛ بر این اساس، پژوهشگر لازم است ضمن آشنایی با این مطالب، شاخص‌ها، تجارب و روش‌های به‌کارگرفته‌شده را مرور کند و در راستای کار خود به استخراج مفاهیم و چارچوب‌ها بپردازد. پیشینه حاضر شامل مقالات، کتب، رساله و پایان‌نامه‌های مرتبط با موضوع پژوهش حاضر است که تحلیل شده است.

باژیان و همکاران (۱۳۸۵) در تحقیقی با عنوان «مقایسه اقتصادی کوچ و اسکان عشایر در دشت بکان استان فارس» با این نتیجه رسیدند که در نطقه بکان که تحت تأثیر تغییرات حیاتی محیطی است، استفاده از عامل نرخ تنزیل بدون در نظر گرفتن منافع تعیین‌کننده محیطی روشی قوی در تعادل فایده-هزینه نیست. تحلیل حساسیت بر مبنای نتایج مثبت تغییرات ارزش خالص زمان حال و نسبت مثبت فایده-هزینه نشان می‌دهد که پروژه اسکان عشایر در مقایسه با قبل از آن سودآور بوده و با توجه به لحاظ تأثیر عوامل تعدیل‌کننده اکولوژیک، می‌تواند گزینه‌ای پایدار در نظر گرفته شود. آسایش و امیر عضدی (۱۳۸۵) در تحقیقی با عنوان «بررسی اثرات اقتصادی اجتماعی اسکان بر کانون‌های اسکان (مطالعه موردی: تل شوره و ملایی بلوط (شهرستان کازرون))» به این نتیجه رسیدند که عشایر به دلیل رهایی از مشقات کوچ، دستیابی به آسایش بیشتر و فراهم شدن امکانات برای فرزندان و زنان، به اسکان روی آورده‌اند و از این فرایند رضایت کامل دارند، اما از کمبود شغل برای فعالیت، کمبود آب و زمین و مشکلات بهداشتی گله‌مند و خواستار بهبود وضعیت هستند. رحیمی و مشیری (۱۳۸۸) در تحقیقی با عنوان «بررسی آثار فضایی، اقتصادی و اجتماعی اسکان عشایر در آذربایجان غربی» به این نتیجه رسیدند که گرایش به اسکان و خودداری از کوچ در کانون‌های مطالعه‌شده، سبب بهبود وضعیت خانوارهای اسکان‌یافته شده است؛ به‌طوری‌که زراعت و دامداری در حال افزایش است، وضعیت سواد و امکانات آموزشی، بهداشتی، امنیتی، دسترسی

به خدمات و... بهبود یافته است و در نهایت به به بهبود وضعیت اشتغال منجر شده است. شاطری و صادقی (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان «ااکاوی اثرات اقتصادی-اجتماعی اسکان خودجوش عشایر بخش دهدز شهرستان ایذه» به این نتیجه رسیدند که در بعد اجتماعی تحولات مطلوبی در وضعیت آموزش، سواد و بهداشت و... ایجاد شده است. در بخش اقتصادی نیز درآمد و پس انداز خانوارها افزایش یافته؛ میزان استفاده از امکانات تولیدی در مقایسه با قبل از اسکان بیشتر شده و اشتغال اصلی مردم از دامداری به فعالیت‌های خدماتی و کارگری تغییر کرده است. معنادار بودن تأثیرات مثبت اسکان در وضعیت اقتصادی عشایر نیز تأیید شد. شکور و همکاران (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان «سنجش عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر اسکان عشایر در استان فارس» به این نتیجه رسیدند که بین تأثیر شاخص‌های اجتماعی و اسکان عشایر در استان فارس رابطه معناداری وجود دارد، ولی بین تأثیر عوامل اقتصادی و اسکان عشایر در استان رابطه معناداری وجود ندارد. نوروزی و محمودیان (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان «بررسی تطبیقی شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی عشایر اسکان-یافته و اسکان نیافته» به این نتیجه رسیدند که بین دو گروه در شاخص‌های اجتماعی مانند مشارکت، آموزش، امنیت اجتماعی، بهداشت و درمان تفاوت چشمگیر وجود دارد. به لحاظ شاخص‌های اقتصادی از جمله درآمد، مالکیت، اشتغال، میزان تولید و... تقریباً مشابه همدیگر هستند و تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین دو گروه اسکان‌یافته و اسکان‌نیافته وجود ندارد. صلاح و نعمتی (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان «پیامدهای طرح اسکان عشایر بر حیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی لرستان» به این نتیجه رسیده‌اند که آنی‌ترین تأثیر طرح اسکان عشایر در منطقه لرستان، برهم خوردن ساختار اجتماعی و از جمله تضعیف پایگاه اجتماعی روسای عشایر لر، دگرگونی در حیات معیشتی و شغلی و تغییرات جمعیتی منطقه بود؛ با این حال تغییر در شیوه آموزش و پرورش منطقه نیز مؤثر واقع شد که می‌توان در امتداد تغییرات اجتماعی لحاظ کرد. فرج‌زاده و همکاران (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان «بررسی و تحلیل آثار و پیامدهای اسکان عشایر بر تخریب مراتع» به این نتیجه رسیدند که اسکان در اترافگاه‌های فصلی خطر زیست‌محیطی را افزایش داده است. همچنین به رغم بهبود نسبی در برخورداری از خدمات در کانون‌های اسکان، پژوهش‌های انجام‌شده در جهان و ایران گویای آن است که یکجانشین

شدن جوامع کوچ‌رو به دلیل محدود شدن شعاع چرای دام، افزایش زمان اقامت دام در مرتع، چرای زودرس و غیره تخریب و فرسایش مراتع پیرامون سکونتگاه‌ها را در پی داشته است. و اس‌ا^۱ (۲۰۰۱) در تحقیقی با عنوان «تجربه اسکان در نیجریه و اتیوپی» به این نتیجه رسیدند که اسکان سبب ایجاد تفاوت و شکاف در شیوه‌های تربیتی و سنتی و بی‌ارزش نگاشتن فرهنگ بومی شده است و بر همین اساس، تداوم کوچ پیشنهاد می‌شود. لارسن^۲ و همکاران (۲۰۰۳) در تحقیقی با عنوان «تجربه اسکان عشایر در کنیا» به این نتیجه رسیدند که در زمان وقوع خشک‌سالی، سوء تغذیه کودکان اسکان‌یافته تقریباً سه برابر بیش از کودکان عشایری و کوچنده است و اسکان تجربه موفقی نبوده است. موسلین و فوجین^۳ (۲۰۰۸) در تحقیقی با عنوان «مسائل سلامت جسمی افراد و کوچ در بین عشایر نیمه‌کوچرو در مغولستان» به این نتیجه رسیدند که کوچ عشایر به افزایش خطرپذیری و ضعف در سلامتی افراد منجر می‌شود و عامل کوچ بیشترین تأثیر منفی را بر سلامتی زنان دارد. تیتلباوم و میلیر^۴ (۲۰۱۹) در تحقیقی با عنوان «بررسی علل و پیامدهای حرکات عشایری» به این نتیجه رسیدند که این حرکات تأثیرات منحصر به فردی بر جمعیت حیوانات، اکولوژی جامعه و اکوسیستمی‌ها دارند.

بنابراین با توجه به تحقیقات انجام‌شده می‌توان گفت که اگر بخواهیم اثرات این‌گونه طرح‌ها را در جامعه عشایری ارزیابی کنیم، ضروری است تمامی ابعاد کیفیت زندگی یعنی ابعاد اقتصادی، اجتماعی، محیطی و کالبدی به‌طور کامل بررسی شود تا با علم به نتایج طرح‌های اسکان عشایر و اینکه چه تأثیراتی بر زندگی عشایر برجای گذاشته است، در آینده با مدیریت و برنامه‌ریزی بهتر و منسجم‌تر نقاط قوت طرح‌های اسکان تقویت شده و از پیامدهای منفی طرح اجتناب شود تا بهبود و ارتقای کیفیت زندگی عشایر نیز مانند تمامی افراد جامعه فراهم شود.

1. Vassa
2. Larsen
3. Mocellin & Foggin
4. Teitelbaum & Mueller

۳. روش‌شناسی تحقیق

۳.۱. روش تحقیق

تحقیق حاضر به لحاظ هدف از نوع کاربردی و از حیث روش انجام آن توصیفی-تحلیلی بود. برای جمع‌آوری اطلاعات لازم از دو روش اسنادی و میدانی (ابزار پرسش‌نامه) استفاده شد. در تحقیق حاضر با توجه به پرسش‌های مطرح‌شده و در راستای پاسخ‌گویی علمی به این سؤالات، به تبیین چگونگی بودن و چرایی وضعیت مسئله و ابعاد آن پرداخته شد. براساس چارچوب نظری، ۳۰ گویه در دو بعد (اقتصادی و اجتماعی) به شرح جدول ۱ برای ارزیابی اثرات اقتصادی-اجتماعی اجرای طرح‌های اسکان بر کیفیت زندگی عشایر در قالب طیف لیکرت، کمی شد. چهار کانون عشایری موجود در منطقه مطالعه‌شده دارای ۷۷۹ خانوار بود که طبق فرمول کوکران، ۲۵۸ پرسش‌نامه با خطای ۰,۰۷ مطابق جدول ۴ در کانون‌های مذکور تکمیل شد.

جدول ۱. شاخص‌های آثار اقتصادی و اجتماعی

مآخذ: باژیان و همکاران (۱۳۸۵)، آسایش و امیر عضدی (۱۳۸۵)، شاطری و صادقی (۱۳۹۱)، شکور و همکاران (۱۳۹۲)، نوروژی و محمودیان (۱۳۹۴)، صلاح و نعمتی (۱۳۹۵)، تیتلباوم و میلیر (۲۰۱۹)

ردیف	نماد	گویه‌های آثار اقتصادی	ردیف	نماد	گویه‌های آثار اجتماعی
۱	G1	بهره‌مندی بیشتر از حمایت‌های دولت	۱	G16	کاهش فقر
	G2	استفاده بیشتر از خدمات شرکت تعاونی		G17	بهبود شرایط اقتصادی
۲	G3	بهبود درآمد خانوار	۲	E1	دسترسی بیشتر به خدمات فرهنگی (مسجد و...)
	G4	استفاده بیشتر از کالاها		E2	دسترسی به خدمات آموزشی (مدارس)
	G5	توانایی پس‌انداز کردن		E3	دسترسی به خدمات بهداشتی (آب‌لوله‌کشی، حمام و...)
	G6	تولید بیشتر محصولات کشاورزی		E4	دسترسی به خدمات درمانی (پزشک، درمانگاه و...)
	G7	استفاده بیشتر تسهیلات بانکی		E5	دسترسی به خدمات ارتباطی (راه مناسب، وسیله نقلیه عمومی و...)

نماد	نماد	نماد	نماد
E6	E7	E8	E9
E10	E11	E12	E13
G8	G9	G10	G11
G12	G13	G14	G15

برای عملیاتی کردن مطالعه، عشایر زیست‌بوم خواف که در آن‌ها طرح‌های اسکان اجرا شده است، به‌عنوان منطقه مورد مطالعه انتخاب شدند (شکل ۲).

۲.۳. معرفی منطقه مورد مطالعه

زیست‌بوم مطالعه‌شده (خواف) یکی از کانون‌های کهن سکونت‌های خراسان بزرگ به شمار می‌رود؛ بنابراین می‌توان اقوام مقیم منطقه به‌خصوص اقوام ساکن در شهرها و روستاهای آن را جزو اولین گروه‌های ایرانی فارس زبان در منطقه تلقی کرد. افزایش نسبی جمعیت در کانون‌های جمعیتی خارج منطقه از یک طرف و شرایط نسبتاً مناسب طبیعی زیست‌بوم در مقایسه با همسایگان جنوبی یعنی استان سیستان و بلوچستان از طرف دیگر، شرایطی را برای حرکات مکانی جمعیت (مهاجرت) فراهم کرده است؛ به‌طوری‌که امروزه علاوه بر ساکنان بومی منطقه که در قالب شهرنشین یا روستانشین سکونت دارند، شاهد وجود اقوام و نژادهای گوناگونی نیز هستیم که دارای منشأ عشایری خارج منطقه‌اند. از جمله این گروه‌های نژادی می‌توان به بهلولی‌ها، بلوچ‌ها و عشایر فارس اشاره کرد که هرکدام منشأ پیدایش تعدادی از سکونتگاه‌های جدید در بخش‌های مختلف زیست‌بوم بوده‌اند (مطالعات ارزیابی برنامه سامان‌دهی اسکان عشایر در کانون‌های توسعه، ۱۳۹۶ ص. ۸۰). کمبود منابع آب از جمله محدودیت‌های موجود در سطح منطقه است؛ به‌طوری‌که بخش عمده آب مصرفی شرب دام و انسان از طریق چاه‌های دستی تأمین می‌شود. عشایر زیست‌بوم خواف در چهار سکونتگاه روستایی و یک سکونتگاه شهری (شهرک امام علی سنگان) ساکن‌اند. شرایط محیطی به‌علاوه

گرایش‌های مذهبی نقش تعیین‌کننده‌ای در توزیع فضایی جمعیت ایفا کرده است. در ادامه به وضعیت کانون‌های مطالعه‌شده پرداخته می‌شود.

کانون چاه زول: از کانون‌های جمعیت عشایر زیست‌بوم خواف می‌توان به روستای چاه زول در دهستان بستان اشاره کرد. عشایر این محله عشایری در سال ۱۳۵۹ از مناطق عشایری زیرکوه قائنات کوچ و پس از ورود به شهرستان خواف در این محله مستقر شده‌اند. ساکنان این روستا که عمدتاً عشایر بهلولی هستند، پیرو مذهب شیعه دوازده‌امامی‌اند و سابقه آن‌ها به عشایر موسی‌آباد که مرکز اصلی عشایر بهلولی است، مربوط می‌شود.

کانون نهور: کانون نهور واقع در منتهی‌الیه جنوب دهستان بستان در مرز خراسان جنوبی قرار دارد. این سامانه عشایری شیعه مذهب هستند. عشایر نهور بخشی از بیلاق خود را در نوار مرزی و بخشی را در ارتفاعات واقع در حدفاصل شهرستان خواف و قاینات (خراسان جنوبی) سپری می‌کنند. این روستا ابتدا در محل چادرهای عشایری احداث شد که پس از زلزله قاین و تخریب واحدهای مسکونی مجدد بازسازی شده است. بزرگ‌ترین معضل این سایت کمبود منابع آب است؛ به طوری که آب شرب آن اعم از شرب انسان و دام توسط تانکر حمل شده با ذخیره‌سازی در مخازن آب تأمین می‌شود.

کانون بنیاباد: کانون بنیاباد واقع در منتهی‌الیه جنوب شرقی دهستان کبیر از دیگر کانون‌های مطرح عشایر نشین منطقه محسوب می‌شود. عشایر این کانون از گذشته و قبل از انقلاب در این مکان مستقر بوده‌اند و محل سکونت آنان به صورت سرپناه و از مصالح محلی بوده است. عشایر بنیاباد قشلاق را در اطراف روستا و بیلاق را در منطقه کج گردن سپری می‌کنند.

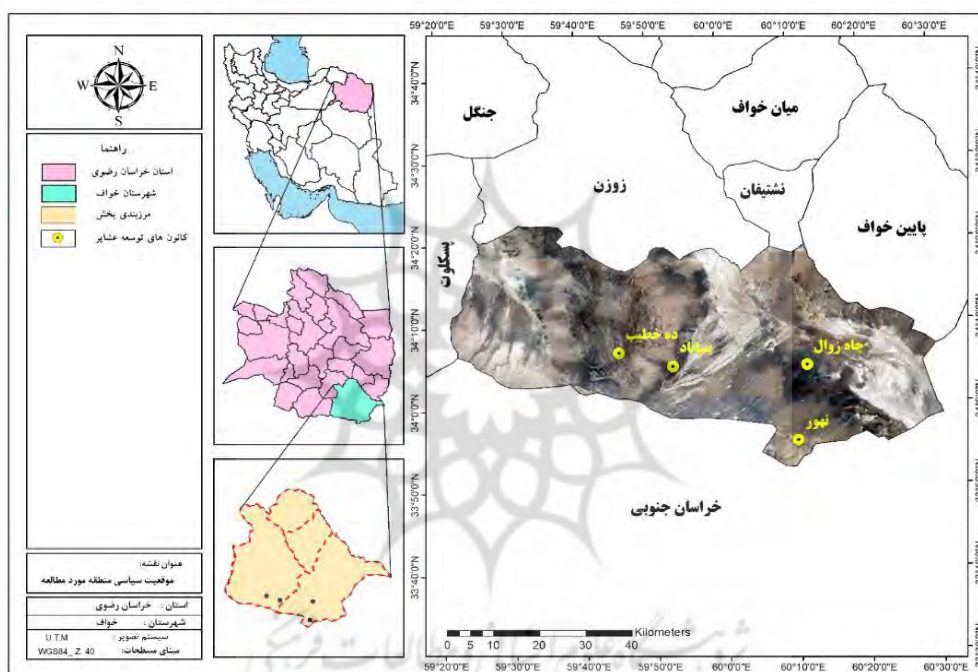
کانون ده خطیب: ده خطیب از دیگر مراکز جمعیتی زیست‌بوم است که در جنوب دهستان کبیر واقع شده است. این کانون در سال ۱۳۷۵ از تجمیع خودجوش عشایر چهار سامانه عرفی شامل کلاته محمداسد، برجک، قلعه‌ها و ده خطیب کهنه ایجاد شد. از نظر ویژگی‌های قومی، طایفه تاجیک‌ها از عشایر فارس‌زبان هستند و بیشتر در روستای ده خطیب سکونت دارند (مطالعات ارزیابی برنامه سامان‌دهی اسکان عشایر در کانون‌های توسعه، ۱۳۹۶ ص. ۹۰-۸۱).

در شکل ۱ موقعیت فضایی هر کانون مشاهده می‌شود.

جدول ۲. توزیع فضایی پرسش‌نامه‌ها در کانون‌های اسکان براساس فرمول کوکران

مأخذ: استانداری خراسان رضوی، ۱۳۹۸

ردیف	کانون توسعه	خانوار	حجم نمونه	ردیف	کانون توسعه	خانوار	حجم نمونه
۱	چاه زول	۳۲۵	۱۰۸	۳	ده خطیب	۱۷۲	۵۷
۲	نهور	۶۰	۲۰	۴	بنیاباد	۲۲۲	۷۴
۹	جمع کل	۷۷۹	۲۵۸				

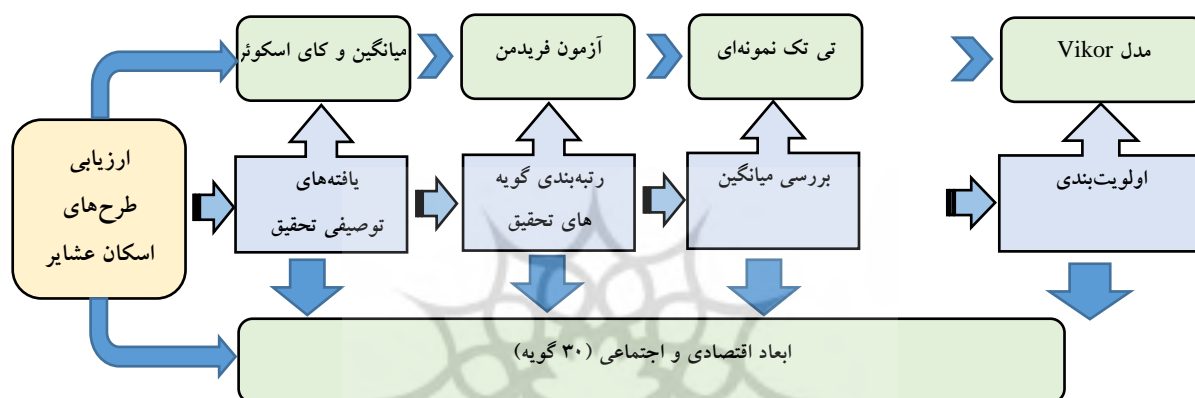


شکل ۱. موقعیت کانون‌های عشایری مطالعه‌شده در استان خراسان رضوی و کشور

مأخذ: ترسیم توسط نگارنده براساس نقشه پایه استانداری خراسان رضوی، ۱۴۰۰

پس از تعیین نمونه‌ها، از طریق پرسش‌نامه محقق‌ساخته براساس شاخص‌ها، به جمع‌آوری داده‌ها به صورت میدانی اقدام شد. برای سنجش روایی پرسش‌نامه از تکنیک دلفی و به منظور ارزیابی پایایی پرسش‌نامه از آزمون آلفای کرونباخ (مقدار آلفای کرونباخ برابر با ۰٫۸۴) استفاده شد که نتایج نشان‌دهنده پایا و قابل اعتماد بودن داده‌ها برای انجام تحقیق است. برای

تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی (آزمون کای اسکوئر، فریدمن و تی تک نمونه‌ای) در نرم‌افزار SPSS و برای تحلیل فضایی تفاوت اثرات اقتصادی-اجتماعی اجرای طرح‌های اسکان از مدل VIKOR (وزن‌دهی استفاده شده در مدل VIKOR مدل آنتروپی شانون است) استفاده شد. برای نمایش محدوده مطالعه شده نیز از نرم‌افزار GIS به کار رفت. مدل فرایندی پژوهش به شرح شکل ۲ است.



شکل ۲. مدل فرایندی پژوهش

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

۴. مبانی نظری تحقیق

عشایر اصطلاحی چندبعدی است که در فرهنگ و جامعه‌های گوناگون معانی متفاوت از آن استنباط می‌شود. عموماً این اصطلاح بر گروهی از مردم دلالت دارد که برای تأمین معاش خود در حال حرکت‌اند و خانه ثابتی ندارند و امرار معاش آن‌ها عموماً به بخش کشاورزی متکی نیست (دوپلانو، ۱۳۸۳، ص. ۱۲). در ایران معنای این اصطلاح عبارت است از: اجتماعات کوچ‌رو که بنیاد اقتصاد، زندگی و شیوه معاش آن‌ها مبتنی بر دامداری و شبانی (کوچ رفت و برگشتی میان چراگاه‌های زمستانی قشلاق و تابستانی ییلاق) است؛ بر پرورش دام، به‌ویژه گوسفند اشتغال دارند و پرورش اقتصادی این دام‌ها به مراتع، اراضی زراعی و محصولات فرعی نظیر کاه و کلش متکی است (کفیل‌زاده و همکاران، ۱۳۸۱، ص. ۳۲) که به دلیل بهره‌برداری از اراضی حاشیه‌ای و مراتع و نیز تولید با حداقل هزینه، در گذر نسل‌ها

فعالیتشان ادامه یافته است (خاکی پور و همکاران، ۱۳۹۰ ص. ۱۸). زندگی عشایری با الهام از الگوهای طبیعی شکل گرفته است و چارچوب آن به سازگاری با طبیعت ارتباط دارد (دهقانین و کهنسال، ص. ۷۸)؛ به همین دلیل این زندگی نوعی تطبیق با محیط طبیعی است که انسان با مهارت موجود و ابزار محدود، خود را با محیط سازگار می‌کند. عشایر با بهره‌گیری از دام، اراضی کشت‌نشده را به‌صورت چراگاه استفاده می‌کنند (لشکری و همکاران، ۱۳۹۲ ص. ۸۴). جامعه عشایری ترکیبی از سه نظام طایفگی یا قبیله‌ای، کوچ‌روی و دامداری است. سکونتگاه‌های غیرثابت، خودمختاری اقتصادی، واحدهای مولد خانگی، منابع غیرثابت اما به‌شدت بهره‌بردار شده و کوچ گروه‌های وابسته محلی با درجاتی از خودمختاری سیاسی، از جمله عناصر و ویژگی‌های زندگی عشایر است (کریمی، ۱۳۹۰ ص. ۶۹).

در گذشته، دو جامعه روستایی و عشایری را عموماً جامعه واحدی می‌پنداشتند و برنامه‌ریزی برای آن‌ها را به‌صورتی مشابه طراحی می‌کردند، زیرا ملاک‌های صحیحی برای شناخت این دو جامعه نداشتند (سعیدی، ۱۳۹۴، ص. ۳۵)، ولی اگر اقتصاد غالب زیستی این دو جامعه را مطالعه کنیم، مشاهده می‌شود که کاملاً متمایزند و مهم‌ترین وجه تفکیکی و تمایز این دو جامعه را می‌توان به شرح زیر بررسی کرد (کشاورز و همکاران، ۱۳۵۵ ص. ۳۲).

جدول ۳. ملاک‌های تفکیک جامعه روستایی از جامعه عشایری

مأخذ: کشاورز و همکاران، ۱۳۵۵

ردیف	ملاک غالب جامعه	جامعه روستایی	جامعه عشایری	ردیف	ملاک غالب جامعه	جامعه روستایی	جامعه عشایری
۱	نیاز پایه‌ای	آب و زمین	مرتع و دام	۷	تحرك گروهی	اسکان	کوچ
۲	فعالیت غالب	کشاورزی	دامداری سنتی	۸	تجربه و تخصص	در امور زراعی	در امور دامی
۳	فعالیت جنبی	دامداری	کشاورزی	۹	بازده در هکتار	زیاد	کم
۴	مازاد تولید	عموماً زراعی	عموماً دامی	۱۰	نظام آبیاری	پیچیده	فاقد نظام
۵	تنوع کشت	زیاد	کم	۱۱	منزلت اجتماعی	در رابطه با آب و زمین	در رابطه با دام
۶	بهره‌گیری از زمین	در یک منطقه	در دو منطقه	۱۲	روابط اجتماعی	پیچیده	ساده

۴. ۱. مفهوم اسکان عشایر

اسکان تغییر شیوه معیشت عشایر و هدایت آن‌ها به منظور جذب در روستاها و شهرها است که در حاشیه نواحی با حفظ شیوه معیشت گذشته صورت می‌پذیرد و همچنین اسکان عشایر در روستاها و به‌کارگیری آن‌ها در واحدهای دامداری و صنعتی نوین انجام می‌شود. عشایر متمایل به اسکان که در یک نقطه استقرار می‌یابند، از لحاظ اقتصادی و اقلیمی به آن محل وابسته می‌شوند، اما قادر خواهند بود برای تکمیل امرارمعاش خود در دیگر نقاط نیز فعالیت کنند. در گذشته مهم‌ترین عوامل تداوم شیوه تولید اقتصادی و زندگی اجتماعی جامعه عشایری یعنی انسان، دام و مرتع نسبت به هم دارای تعادل بوده‌اند، اما امروزه این تعادل هم از درون و هم از برون با تأثیرپذیری از عوامل کلان اقتصادی-اجتماعی در جامعه بزرگ کنونی از بین رفته است (سرور، ۱۳۷۴ ص. ۴).

جوامع عشایری به دلیل ویژگی‌های خاص خود از جمله ابتدایی بودن زندگی، وضعیت اقتصادی نابسامان، سطح نامطلوب زندگی، سطح پایین فناوری، پایین بودن سطح سواد و... مشکلات متعددی دارند و به توجه و شناخت هرچه بیشتر نارسایی‌های مربوط به این قشر نیاز است (دهقانی محمودآبادی و همکاران، ۱۳۹۱ ص. ۲۳). ساماندهی و اسکان عشایر به‌عنوان یکی از راهبردهای مدنظر برای جامعه عشایری، عمدتاً با هدف توسعه و عمران، محرومیت‌زدایی و خدمات‌رسانی بهتر به این جامعه انجام می‌گیرد (مطیعی لنگرودی و همکاران، ۱۳۹۰ ص. ۷۷).

اسکان عشایر، فرایندی است که طی آن شیوه جامعه کوچرو تغییر و تحول می‌یابد. این تحول هرچند به‌صورت ظاهری با ترک کوچروی و یکجانشینی در مسکن ثابت شناخته می‌شود، در بطن خویش ناظر بر تغییرات اساسی در مبانی فرهنگی، اجتماعی-اقتصادی و زیستی عشایر است (ریاحی و عزمی، ۱۳۹۲ ص. ۳۲). اسکان عشایر نوعی تغییر و تحولات در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فناورانه، نهادی و... جامعه مذکور است که با در نظر گرفتن جوامع روستایی و شهری به‌عنوان درجاتی از تکامل، می‌توان اظهار کرد که اسکان به لحاظ ماهیت، حرکتی تکاملی است (شاطری و حجی‌پور، ۱۳۹۰ ص. ۱۹).

فرایند اسکان عشایر شامل مجموعه‌ای از تصمیم‌گیری‌ها و عملیاتی فیزیکی است که طی آن خانوار عشایری، داوطلبانه در محل مناسبی اسکان یا استقرار دائم می‌یابند. تصمیم‌گیری در این فرایند نقش مهمی دارد؛ زیرا بر شکل اسکان، دوره زمانی انتقالی از کوچ‌نشینی دائم به استقرار دائم و روابط اجتماعی جدید تأثیرگذار است. تصمیم‌گیری ممکن است فقط خواست سرپرست خانوار باشد یا اینکه خواست سرپرست خانوار همراه با مشورت اعضای خانوار باشد؛ با این توضیحات، فرایند اسکان از زمانی که دغدغه فکری عضو یا اعضا یک خانوار عشایری بر اسکان متمرکز می‌شود، شروع می‌شود و در زمانی که خانوار استقرار دائم می‌یابد، به پایان می‌رسد (کرم‌پور، ۱۳۶۶، ص. ۶۱).

۲.۴. انواع اسکان عشایر

در یک تقسیم‌بندی، سه نوع اسکان را می‌توان برای جامعه عشایری در نظر گرفت که عبارت‌اند از: اسکان اجباری یا دگرانگیخته، اسکان خودانگیخته و اسکان برنامه‌ای که در زیر به تفکیک به توضیح درباره هر یک پرداخته می‌شود (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۶، ص. ۵۶).

اسکان اجباری یا دگرانگیخته: اسکان اجباری ممکن است در اثر فشار و جبر حکومتی، دگرگونی بادوام شرایط طبیعی و اقلیمی و دگرگونی عملکردهای اقتصادی در سطوح منطقه‌ای انجام شود، یا بر اثر اختلاف‌های درونی ایل، فقر خانوارها، ازدواج و تحصیل فرزندان به وجود آید؛ نظیر قطع آب رود هیرمند و مهاجرت و اسکان سیستانی‌ها در گلستان و ایجاد کشت و صنعت مغان و اسکان اجباری بسیاری از عشایر شاهسون به دلیل از بین رفتن مراتع قشلاقی آن‌ها.

اسکان خودانگیخته: در اسکان خودانگیخته، فشار سیاسی و طبیعی حاکم نیست و افراد کوچ‌نشین با میل و رغبت به یکجانشینی رو می‌آورند و اسکان آن‌ها بیشتر ماهیت اقتصادی دارد. در این جنبه، اسکان بیشتر برای خانواده‌های فقیر و ثروتمند عشایری مفهوم دارد؛ چراکه خانوارهای فقیر به دنبال کسب درآمد بیشتر و خانوارهای ثروتمند برای استفاده از شرایط رفاهی بهتر اسکان می‌یابند (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۶، ص. ۵۷).

اسکان برنامه‌ای: اسکان برنامه‌ای بیشتر با اهداف عمرانی همراه است. در این نوع اسکان، دولت و حکومت مرکزی برنامه‌های ویژه در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی در نظر

دارند و با هزینه‌کرد اعتبارات گسترده برای اسکان جامعه عشایری و ایجاد سطحی از توسعه در آن، همپای جوامع یکجانشین تلاش می‌کنند. این نوع اسکان از زمان پهلوی دوم آغاز شد. جامعه عشایری، به‌رغم پایداری بوم‌شناختی و اقتصادی، در بسیاری از مناطق جهان و کشور ما تحت تأثیر جریان نوسازی شهری رو به افول نهاده و اسکان حمایت‌شده از سوی دولت‌ها شدت یافته است (نصیری و همکاران، ۱۳۹۱ ص. ۲۸).

در این چارچوب، اسکانه داوطلبانه و دارای هدف و انگیزه است و مکان‌یابی نقاط مناسب اسکان توسط سازمان‌های دولتی صورت می‌گیرد که کانون‌های اسکان برنامه‌ریزی‌شده را براساس استعداد اشتغال‌زایی و منابع قابل‌استحصالی تشکیل می‌دهد و در اصطلاح «کانون اسکان هدایتی» به آن اطلاق شده است؛ با این توضیحات، هم در اسکان‌های حمایتی و هم در اسکان‌های هدایتی، بدون شناخت زمینه‌ها و استعداد تولیدی و منابع اشتغال و معیشت نمی‌توان به اسکان پایدار امیدوار بود. اولویت‌های ارائه خدمات به کانون‌های هدایتی عبارت‌اند از: تعداد خانوار داوطلب اسکان در کانون، سرانه زمین‌های کشاورزی عشایر داوطلب اسکان، امکان تأمین آب کشاورزی به‌صورت ثقلی، سهم سرانه مشارکت عشایر داوطلب اسکان در پروژه‌های تجهیز منابع آب و هموارسازی اراضی، هزینه سرانه فرصت شغلی در کانون و هزینه سرانه تأمین خدمات زیربنایی کانون شامل راه دسترسی، آب آشامیدنی، برق و غیره (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۶ ص. ۷۸).

۴.۳. مراحل اسکان عشایر

مرحله مطالعه و برنامه‌ریزی: مرحله مطالعه و برنامه‌ریزی شامل مجموعه فعالیت‌هایی است که به تصمیم‌گیری نهایی خانوار برای استقرار دائم در یک نقطه می‌انجامد. این مرحله که پیچیده‌ترین مرحله فرایند اسکان است، یا به‌صورت داوطلبانه توسط خانوار و اعضای آن صورت می‌گیرد و یا به‌صورت هدایت‌شده و همراه با تمایلات خانوار که در حال حاضر طی یک مرحله مطالعه و برنامه‌ریزی، توسط سازمان عشایر انجام می‌گیرد. موفقیت مراحل بعدی در گرو آگاهی و مشارکت خانوار در این مرحله است. مشارکت یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مؤلفه‌های مؤثر در بهبود معیشت و زندگی روستاییان و از جمله عشایر است (ورمزیاری و حسینی، ۱۳۸۸، ص. ۵۳).

عملیات اجرایی شکل‌دهی اسکان در یک نقطه (کانون توسعه): مرحله دوم که عملیات اجرایی شکل‌دهی اسکان را تشکیل می‌دهد، شامل آن بخش از فعالیت‌ها و عملیات فیزیکی است که اساس تحقق فرایند اسکان را به صورت عملی تشکیل می‌دهد و شامل پذیرش یک نوع زندگی خاص با شیوه‌ای جدید، زندگی اجتماعی یکجانشینی همراه با تراکم جمعیت و انتخاب مسکن دائم است (ورمزیاری و حسینی، ۱۳۸۸، ص. ۵۴).

تداوم پذیری اسکان: مرحله سوم فرایند اسکان شامل تداوم استقرار خانوارهای عشایری در یک کانون است و برحسب پایداری فرصت شغلی ایجادشده و انگیزه‌های اقتصادی-اجتماعی خانوار تغییر یافته است. جاذبه اجتماعی-اقتصادی سکونتگاه، به خصوص درآمد اقتصادی و وابستگی قومی به جماعت اسکان یافته و نیز تغییرات احتمالی در آینده، پایداری اشتغال و موقعیت اقتصادی محل، عامل مهمی در تداوم استقرار در سکونتگاه برای مجموعه خانوارها و گروه‌هایی از نسل جدید آنها است (صیدایی، ۱۳۷۷، ص. ۹۲).

۴. ۴. عوامل اسکان عشایر در ایران

عوامل متعددی در پدیده اسکان در بین عشایر کوچنده ایران مؤثرند. این عوامل دارای تأثیر متقابل و از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند، اما به منظور تسهیل بررسی می‌توان آن‌ها را به دو بخش بیرونی و درونی تقسیم کرد:

عوامل بیرونی: این گروه از عوامل در خارج از ساختارهای اقتصادی-اجتماعی جامعه عشایری و بیشتر در پیوند با پدیده‌هایی در مقیاس ملی، به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر اسکان عشایر تأثیر می‌گذارند. عوامل خارجی که مشوق اسکان هستند، عبارت‌اند از: کاهش در هزینه‌های اقتصادی مانند حمل و نقل، افزایش در امنیت عمومی برای عشایر اسکان یافته، افزایش فرصت‌های شغلی در شهر یا روستا، برنامه‌ریزی بهتر دولت برای حل و فصل مشکلات عشایر، کم شدن اراضی مرتعی در بسیاری از مناطق با توجه به تغییر کاربری از زمین مرتعی به زمین کشاورزی (ابراهیمی و صادقی، ۱۳۸۶، ص. ۲۰۴)؛

عوامل درونی: عوامل درونی مؤثر در اسکان عشایر غالباً دارای روابط تنگاتنگی با الزامات کوچ است؛ به این معنی که چنانچه الزامات مذکور منتفی شود، زمینه اسکان فراهم می‌شود؛ برای مثال، یکی از انگیزه‌های عمده کوچ، تعلیف دام با استفاده از مرتع در زیست‌بوم

بیلاقی و قشلاقی است. بدیهی است که از دست دادن دام و مراتع و کاهش چشمگیر تعداد دام و توانایی نداشتن خانوار در دستیابی به مراتع دیگر، بر گرایش به اسکان اثر می‌گذارد.

عوامل درونی که تشویق‌کننده اسکان هستند، عبارت‌اند از: خشک‌سالی، بیماری‌های دامی، فشار جمعیت عشایری و محدودیت در سرمایه‌گذاری. افزون بر این، از دست دادن نیروی کار و توانایی نداشتن در یافتن نیروی کار مناسب دامداری، از عواملی است که هم از خارج زندگی ایلی و هم درون آن بر روند اسکان تأثیر می‌گذارد؛ چراکه از یک سو، نیروی کار تحت تأثیر وضعیت اقتصاد ملی و منطقه‌ای است و از سوی دیگر، حجم خانوار و شمار افراد ذکور آن در دامداری مؤثر و خانوارهایی که ابعاد آن‌ها از حدی کمتر یا بیشتر باشند، گرایش به اسکان در بین تمامی یا بخشی از خانوار به وجود می‌آید (قرقانی، ۱۳۹۴، ص. ۲۶).

۴.۵. کیفیت زندگی

کیفیت زندگی مفهومی پیچیده و چندبعدی است که تحت تأثیر مؤلفه‌هایی چون زمان و مکان، ارزش‌های فردی و اجتماعی قرار دارد و از این‌رو معانی گوناگونی برای افراد و گروه‌های مختلف مترتب است. برخی آن را به‌عنوان قابلیت زیست‌پذیری یک ناحیه، برخی دیگر به‌عنوان اندازه‌ای برای میزان جذابیت و برخی به‌عنوان رفاه عمومی، بهزیستی اجتماعی، شادکامی، رضایتمندی و مواردی از این دست تعبیر کرده‌اند (ایپلی و مینون، ۲۰۰۷، ص. ۲۸۹). در دنیای امروز، کیفیت زندگی در نقاط روستایی وابستگی بیشتری به کیفیت مکان پیدا کرده و به عوامل اقلیمی، جنگل‌ها، مراتع و مزارع یا به عبارتی دیگر، به منابع طبیعی وابسته است (پارکر و مور، ۲۰۰۸، صص. ۲۳۵-۲۳۶). گروه کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی (۱۹۹۵) تعریف کیفیت زندگی را این‌گونه ذکر می‌کند: ادراک افراد از موقعیتشان در زندگی در متن نظام‌های فرهنگی و ارزشی که در آن زندگی می‌کنند، آن‌ها را با توجه به اهداف، انتظارات، استانداردها و علایقشان؛ به بیان دیگر، بر رضایت از زندگی به‌عنوان مؤلفه اصلی کیفیت

1. Epley & Menon

2. Parker & Moor

زندگی تأکید می‌شود (رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۹۰، ص. ۷۴). کیفیت زندگی بیانگر میزان استفاده افراد از امکاناتی است که از آن برخوردار هستند، اما نه فقط آن امکاناتی که فرد بدان دست یافته است، بلکه تمامی فرصت‌هایی که فرد بتواند رفاہ، تأمین نیازها، بهبود زندگی خود را درون فرایندهای اقتصادی، اجتماعی و محیطی که در آن زندگی می‌کند، فراهم کند (لارسن^۱ و همکاران، ۲۰۰۳، ص. ۷).

امروزه بهبود کیفیت زندگی هدف توسعه در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی است و آینده بشر متکی بر درک بهتر سازه‌هایی خواهد بود که بر کیفیت زندگی تأثیرگذارند. «کیفیت» اصطلاحی است که برای بیان توسعه رفاہ در یک جامعه، به کار می‌رود؛ به بیان دیگر می‌توان گفت، تسهیلات رفاہی منعکس‌کننده شرایط زندگی و کیفیت زندگی افراد هستند (اشمیت^۲، ۲۰۰۲، ص. ۴۱۰). بهبود کیفیت زندگی در یک مکان و برای اشخاص و گروه‌های خاص، همواره کانون اصلی توجه برنامه‌ریزان بوده است. در واقع بهبود کیفیت زندگی در هر جامعه‌ای، یکی از مهم‌ترین اهداف سیاست‌های عمومی آن جامعه است (لطفی، ۱۳۸۸، ص. ۱). در چند دهه اخیر، شناخت، اندازه‌گیری و بهبود کیفیت زندگی از اهداف عمده افراد، محققان، برنامه‌ریزان و دولت‌ها بوده است. این عرصه علمی و تحقیقاتی مدنظر تعداد زیادی از رشته‌ها از جمله روان‌شناسی، پزشکی، اقتصاد، علوم محیطی، جامعه‌شناسی و جغرافیا است (رضوانی و منصوریان، ۱۳۸۸، ص. ۲)؛ بنابراین ارتقای کیفیت زندگی از مهم‌ترین اهداف حکومت‌ها و دولت‌های مختلف در سطح دنیا محسوب می‌شود (حسین‌زاده و میرزایی، ۱۳۸۶، ص. ۱۷). در ایران، در برنامه‌های توسعه قبل از انقلاب به گونه‌های مختلف و هرچند ناچیز به کیفیت زندگی توجه شده است، اما پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی با تشکیل نهادهایی چون بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، جهاد سازندگی، مراکز خدمات روستایی و عشایری، شوراهای اسلامی، کمیته امداد امام خمینی (ره)، هیئت‌های هفت‌نفره واگذاری زمین، خانه‌های همیار، طرح شهید رجایی و سایر نهادهای انقلابی، تلاش شد تا به بهزیستی و بهبود

1. Larsen

2. Schmitt

وضعیت اجتماعی، اقتصادی و بهداشتی روستاییان کمک شود (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۸، صص. ۱۱۸-۱۱۲) و کیفیت زندگی در نواحی روستایی افزایش یابد.

۶.۴. دیدگاه‌های نظری مربوط به کیفیت زندگی عشایر

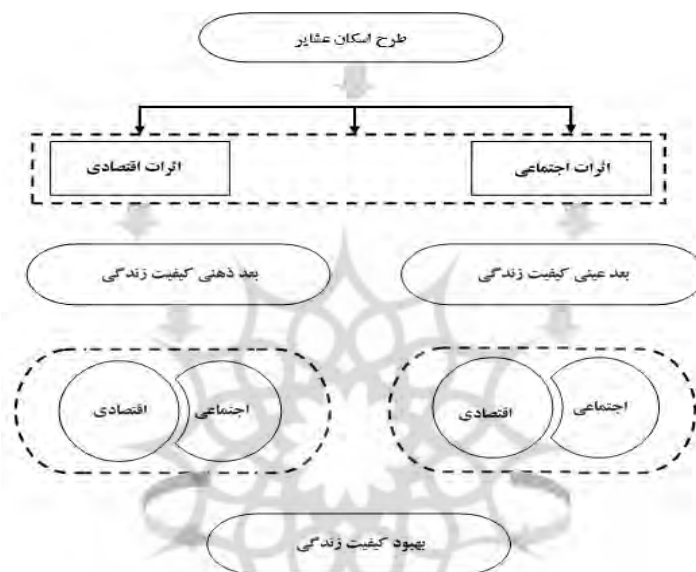
هابرماس: در دیدگاه هابرماس می‌توان جامعه عشایری را به‌عنوان یک جامعه ابتدایی یا سنتی پیشامدرن با غلبه نظام ایلی، نابرابری اقتصادی، سلسله‌مراتب ساختار قدرت، پدرسالاری، خاص‌گرایی‌های فرهنگی و اجتماعی، بی‌سواد و ناآگاهی و ضعف نهادهای مدنی دانست. در چنین جامعه‌ای رشد نهادهای مدنی از جمله شورای اسکان، شورای اجتماعی، تعاونی‌های تولید لازم برای شکل‌گیری حوزه عمومی و کنش‌های ارتباطی جمعی در راستای ارزش‌ها و اهداف پذیرش‌شده جمع، پیش‌نیاز توسعه و بهبود زندگی مردم در راستای بسط آزادی، عدالت و تأمین حقوق انسانی در همه ابعاد حیات اجتماعی است.

بورديو: بنابر دیدگاه بورديو می‌توان گفت که اسکان و توسعه عشایر به تغییر الگوی کنش آنان متکی است که امروز در ابعاد اجتماعی یا عینی (از شکل افتادگی ساختارهای سنتی) و ذهنی (گرایش شدید به اسکان) زمینه‌های لازم برای شکل‌گیری کنش‌های جمعی مرتبط با اسکان و توسعه پدید آمده است و با هدایت، حمایت و نظارت دولت می‌تواند به بهبود زندگی آنان منجر شود (بورديو، ۱۳۸۴، ص. ۱۱۴).

گیدنز: گرایش عشایر به اسکان و توسعه برای رهایی از سختی‌های کوچ، نگرش مثبت و امید به آینده برای اسکان و برخورداری از امکانات زندگی مدرن و گرایش مثبت آنان به آزادی و عدالت و کنش‌های عقلانی، مؤید دیدگاه گیدنز است.

در جمع‌بندی وجوه اشتراک دیدگاه‌های نظری مذکور (هابرماس، گیدنز و بورديو) می‌توان گفت که نظام ایلی به علت تأخر ساختاری، پتانسیل توسعه و بهبود حیات اجتماعی عشایر مناسب با شرایط و مقتضیات جهان امروزی را از دست داده است. ماهیت و ویژگی‌های نظام ایلی چه در بعد ساختاری و چه در بعد شناختی یا ذهنی نه‌تنها امکان توسعه را فراهم نمی‌کند، بلکه خود مانع توسعه است؛ بنابراین اسکان و گذار از نظام ایلی به‌نظام‌های نوین امروزی، ضرورت تاریخی اجتناب‌ناپذیر است؛ البته اسکان به‌خودی‌خود هدف نیست؛ بلکه

خود نوعی کنش یا کردار جمعی برای رسیدن به توسعه است. با توجه به اینکه کردار یا کنش برآیند یا سنتز شرایط اجتماعی یا ساختاری و عوامل فردی یا ذهنی است، تازمینه برای اسکان عشایر فراهم نشود، آنان به اجبار در قالب ساختار موجود به کوچ‌نشینی و بازتولید و تداوم وضعیت موجود می‌پردازند (عبداللهی، ۱۳۸۶، صص. ۲۳-۲۶).



شکل ۳. مدل مفهومی پژوهش

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

۵. یافته‌های تحقیق

از بین ۳۴۳ پاسخگو در روستاهای بررسی شده، ۸۹،۵ درصد از افراد متأهل و ۱۰،۵ درصد مجرد بودند. از مجموع پاسخ‌گویان، مردان ۸۰،۸ درصد و زنان ۱۹،۲ درصد را تشکیل دادند. عمده پاسخ‌گویان در گروه سنی ۲۰-۲۹ سال با فراوانی ۷۷ نفر (۲۹،۷ درصد) قرار داشتند و سطح تحصیلات راهنمایی و ابتدایی به ترتیب با ۲۵،۹ و ۲۳،۳ درصد بیشترین و کارشناسی و کارشناسی‌ارشد نیز به ترتیب با ۷،۹ و ۰،۶ درصد کمترین تعداد پاسخگویان را در بر گرفتند.

در ادامه به بررسی میانگین شاخص‌های تحقیق پرداخته شده است که در بعد اجتماعی بیشترین میانگین متعلق به شاخص‌های دسترسی بیشتر به خدمات فرهنگی (مسجد و...)، دسترسی به خدمات آموزشی (مدارس) و امنیت بیشتر با میانگین ۴,۴ و کمترین میانگین نیز متعلق به شاخص بهبود کیفیت مسکن با میانگین ۳,۶ بود. شایان ذکر است که با توجه به استفاده از آزمون X^2 برای شاخص‌های این متغیر، میزان معناداری برای تمام شاخص‌ها کمتر از ۰,۰۵ محاسبه شد که می‌توان بیان کرد، این متغیر در تمام شاخص‌ها معنادار است و قابلیت تعمیم به تمام جامعه را دارد. در مجموع ارزیابی شاخص‌های آثار اجتماعی اجرای طرح اسکان نشان می‌دهد که در بعد اجتماعی، طرح اسکان آثار خوبی داشته است. طبق مشاهده‌های میدانی که می‌توان گفت تأییدی بر نتایج تحقیق است، کانون‌های مطالعه‌شده از امکانات مناسب آموزشی و فرهنگی (مدرسه، مساجد، کانون‌های فرهنگی و...) همچون یک روستا برخوردارند و همچنین امنیت کانون‌ها با توجه به مرزی بودن منطقه در مقایسه با گذشته افزایش یافته است که دلیل آن را می‌توان استقرار هنگ مرزی و نیروهای نظامی-انتظامی دانست. در بعد اقتصادی نیز بیشترین میانگین به شاخص استفاده بیشتر از خدمات شرکت تعاونی با میانگین ۴,۸ و کمترین میانگین نیز به شاخص کاهش فقر با میانگین ۲,۸ متعلق است. درخور ذکر است که با توجه به استفاده از آزمون X^2 برای شاخص‌های این متغیر، میزان معناداری برای تمام شاخص‌ها کمتر از ۰,۰۵ است که می‌توان بیان کرد، این متغیر در تمام شاخص‌ها معنادار است و قابلیت تعمیم به تمام جامعه را دارد. در مجموع ارزیابی شاخص‌های آثار اقتصادی اجرای طرح اسکان نشان می‌دهد که در بعد اقتصادی، طرح اسکان آثار خوبی داشته است. طبق مشاهده‌های میدانی که می‌توان گفت تأییدی بر نتایج تحقیق است، با اجرای طرح اسکان تمامی عشایر منطقه عضو شرکت تعاونی عشایری کویرنشینان شهرستان خواف شده‌اند، این تعاونی تمامی خدمات موردنیاز عشایر را به‌خصوص در بخش دام (تأمین علوفه و...) تأمین کرده و با توجه به توان عشایر هزینه را از آنان دریافت می‌کند. همچنین خدمات و حمایت‌های دولتی در امور زیربنایی، اجتماعی و پرداخت تسهیلات بانکی درخور توجه است؛ بنابراین با توجه به نتایج می‌توان گفت که طرح اسکان در ابعاد مختلف اجتماعی و اقتصادی توانسته است آثار و نتایج مثبتی بر عشایر منطقه مطالعه‌شده داشته باشد.

جدول ۴. میانگین متغیرهای تحقیق به تفکیک کانون عشایری

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

ردیف	گونه‌های آثار اقتصادی	میانگین	مقدار معناداری X^2	ردیف	گونه‌های آثار اجتماعی	میانگین	مقدار معناداری X^2	
	اقتصادی	بهره‌مندی بیشتر از حمایت‌های دولت	۴,۵	۰,۰۰۰	اقتصادی	کاهش فقر	۲,۸	۰,۰۰۰
		استفاده بیشتر تسهیلات بانکی	۴,۳	۰,۰۰۰		بهبود شرایط اقتصادی	۳,۲	۰,۰۰۰
اقتصادی	اقتصادی	بهبود درآمد خانوار	۳,۹	۰,۰۰۰	اجتماعی	دسترسی بیشتر به خدمات فرهنگی (مسجد و...)	۴,۴	۰,۰۰۰
		استفاده بیشتر از کالاها	۴,۱	۰,۰۰۰		دسترسی به خدمات آموزشی (مدارس)	۴,۴	۰,۰۰۰
		توانایی پس‌انداز کردن	۳,۳	۰,۰۰۰		دسترسی به خدمات بهداشتی (آب‌لوله‌کشی، حمام و...)	۴	۰,۰۰۰
		تولید بیشتر محصولات کشاورزی	۳,۱	۰,۰۰۰		دسترسی به خدمات درمانی (پزشک، درمانگاه و...)	۳,۸	۰,۰۰۰
		استفاده بیشتر از خدمات شرکت تعاونی	۴,۸	۰,۰۰۰		دسترسی به خدمات ارتباطی (راه مناسب، وسیله نقلیه عمومی و...)	۴	۰,۰۰۰
		افزایش سطح زیر کشت	۳	۰,۰۰۰		دسترسی به خدمات مخابراتی (تلفن، اینترنت و...)	۴,۳	۰,۰۰۰
		افزایش تعداد دام	۴,۲	۰,۰۰۰		امنیت بیشتر	۴,۴	۰,۰۰۰
		فروش بهتر محصولات	۳,۹	۰,۰۰۰		کاهش مهاجرت	۳,۷	۰,۰۰۰
		تولید بیشتر محصولات دامی	۴	۰,۰۰۰		افزایش سطح سواد	۴,۲	۰,۰۰۰
		تولید بیشتر صنایع دستی	۴	۰,۰۰۰		همدلی بیشتر بین عشایر	۴,۱	۰,۰۰۰
		کاهش تعداد بیکاران	۳,۱	۰,۰۰۰		بهبود کیفیت مسکن	۳,۶	۰,۰۰۰
		افزایش قدرت خرید	۳,۲	۰,۰۰۰		آسایش و رفاه بیشتر	۴,۲	۰,۰۰۰
		تنوع شغلی	۳,۳	۰,۰۰۰		کاهش زمینه اختلافات	۳,۷	۰,۰۰۰

۵.۱. ارزیابی میزان تأثیر اجرای طرح اسکان بر بهبود کیفیت زندگی عشایر به تفکیک کانون‌ها

جدول ۵ میانگین متغیرهای اجرای طرح اسکان بر بهبود کیفیت زندگی را به تفکیک کانون‌های اسکان نشان می‌دهد. بیشترین میانگین در بعد اقتصادی به کانون ده خطیب با میانگین ۳,۹۶ و کمترین میانگین نیز به کانون بنیاباد با میانگین ۳,۵۹ متعلق است. در بعد اجتماعی بیشترین میانگین به کانون ده خطیب با میانگین ۴,۲۹ و کمترین میانگین به کانون بنیاباد با میانگین ۳,۹۸ مربوط است. طبق مشاهده‌های میدانی که می‌توان گفت تأییدی بر نتایج تحقیق است، کانون ده خطیب با توجه به شرایط مطلوب‌تر آن، داشتن منابع آبی بیشتر، هماهنگی بیشتر عشایر، مشارکت نسبتاً زیاد، ترکیب نسبتاً برابر اهل سنت و شیعه در کانون (باعث رقابت بیشتر می‌شود)، سطح فرهنگی بهتر و محیط مطلوب‌تر و... نشان‌دهنده موفقیت بیشتر اجرای طرح اسکان در این کانون است. در ضمن کانون بنیاباد با توجه به شرایط اقتصادی نامناسب‌تر عشایر، مشکلات مرتعی و اختلافات روستاییان (مژن‌آباد، کالشور که اهل تسنن می‌باشند)، جمعیت بیشتر، اختلافات درون‌تیره‌ای و... از ابعاد اقتصادی اجتماعی اسکان در مقایسه با سه کانون دیگر برخوردار کمیتری دارد. در بعد زیست‌محیطی، کانون چاه زول با توجه به استقرار عشایر در دو محله قدیمی و جدید و تمیز بودن محله جدید، استقرار بیشتر امکانات در این محله و توجه بیشتر به فضای آن از نظر محیطی و در نهایت دوگانگی موجود، کمترین میانگین را بین کانون‌های مطالعه‌شده داشته است.

جدول ۵. میانگین آثار اجرای طرح اسکان بر بهبود کیفیت زندگی عشایر به تفکیک کانون‌های اسکان

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

کانون اسکان	ده خطیب	نهور	چاه زول	بنیاباد
اقتصادی	۳,۹۶	۳,۶۳	۳,۶۵	۳,۵۹
اجتماعی	۴,۲۹	۴,۲۴	۴,۰۱	۳,۹۸

رتبه‌بندی گویه‌های سنجش آثار اقتصادی و اجتماعی اجرای طرح اسکان در بهبود کیفیت

زندگی عشایر

برای بررسی تفاوت بین شاخص‌های آثار اقتصادی اجرای طرح اسکان در بهبود کیفیت زندگی عشایر، با توجه به ترتیبی بودن شاخص‌های مطالعه‌شده از آزمون فریدمن استفاده شد. با توجه به میزان معناداری آزمون کای اسکوئر که کمتر از ۰,۰۵ است، می‌توان گفت که از نظر آماری با اطمینان ۹۵ درصد آثار اقتصادی اجرای طرح اسکان در بهبود کیفیت زندگی عشایر قابلیت تعمیم به کل جامعه را دارد (جدول ۶).

جدول ۶. میزان معناداری آزمون فریدمن در شاخص آثار اقتصادی اجرای طرح اسکان بر بهبود کیفیت زندگی عشایر

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

مقدار معناداری	درجه آزادی	Chi-Square	آثار اقتصادی اجرای طرح اسکان در کیفیت زندگی عشایر
۰,۰۰۰	۱۶	۲۰۷۳,۴۰۴	

برای سنجش میزان تأثیر هر شاخص بر آثار اقتصادی اجرای طرح اسکان در بهبود کیفیت زندگی عشایر باید از میانگین رتبه‌ای استفاده کرد؛ بنابراین با توجه به آنچه در جدول ۷ مشاهده می‌شود، بیشترین تأثیر طرح اسکان را گویه استفاده بیشتر از خدمات شرکت تعاونی و در مرتبه بعد، بهره‌مندی بیشتر از حمایت‌های دولت دارند.

جدول ۷. مقایسه میانگین آثار اقتصادی اجرای طرح اسکان بر بهبود کیفیت زندگی عشایر

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

رتبه	میانگین	میانگین رتبه‌ای	گویه‌های سنجش آثار اقتصادی اجرای طرح اسکان	رتبه	میانگین	میانگین رتبه‌ای	گویه‌های سنجش آثار اقتصادی اجرای طرح اسکان
۴	۴,۱۸	۱۱,۳۷	افزایش تعداد دام	۲	۴,۵۰	۱۳,۰۴	بهره‌مندی بیشتر از حمایت‌های دولت
۹	۳,۸۵	۱۰	فروش بهتر محصولات	۱	۴,۷۸	۱۴,۳۵	استفاده بیشتر از خدمات شرکت تعاونی
۶	۳,۹۹	۱۰,۵۴	تولید بیشتر محصولات دامی				
۷	۳,۹۶	۱۰,۲۶	تولید بیشتر صنایع دستی	۸	۳,۹۱	۱۰,۱۸	بهبود درآمد خانوار

رتبه	میانگین رتبه‌ای	میانگین رتبه‌ای	گویه‌های سنجش آثار اقتصادی اجرای طرح اسکان	رتبه	میانگین رتبه‌ای	میانگین رتبه‌ای	گویه‌های سنجش آثار اقتصادی اجرای طرح اسکان
۱۵	۳,۱۴	۶,۱۷	کاهش تعداد بیکاران	۵	۴,۰۶	۱۱,۰۵	استفاده بیشتر از کالاها
۱۲	۳,۲۳	۶,۵۵	افزایش قدرت خرید	۱۰	۳,۲۸	۶,۹۳	توانایی پس‌انداز کردن
۱۱	۳,۲۵	۶,۸۸	تنوع شغلی	۱۴	۳,۰۹	۶,۳۹	تولید بیشتر محصولات کشاورزی
۱۷	۲,۷۶	۵	کاهش فقر	۳	۴,۲۸	۱۱,۸۱	استفاده بیشتر تسهیلات بانکی
۱۳	۳,۲۳	۶,۵۴	بهبود شرایط اقتصادی	۱۶	۳,۰۰	۵,۹۴	افزایش سطح زیر کشت

همچنین برای بررسی تفاوت بین شاخص‌های آثار اجتماعی اجرای طرح اسکان بر بهبود کیفیت زندگی عشایر، با توجه به ترتیبی بودن شاخص‌های مطالعه‌شده، از آزمون فریدمن استفاده شد. با توجه به میزان معناداری آزمون کای اسکوئر که کمتر از ۰,۰۵ است، می‌توان گفت که از نظر آماری با اطمینان ۹۵ درصد، شاخص‌های آثار اجتماعی اجرای طرح اسکان بر بهبود کیفیت زندگی عشایر، قابلیت تعمیم به کل جامعه را دارند.

جدول ۸. میزان معناداری آزمون فریدمن در شاخص آثار اجتماعی اجرای طرح اسکان بر بهبود کیفیت زندگی عشایر

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

میزان معناداری	درجه آزادی	Chi-Square	آثار اجتماعی اجرای طرح اسکان در کیفیت زندگی عشایر
۰,۰۰۰	۱۲	۶۷۶,۳۱۹	

برای سنجش میزان تأثیر هر شاخص بر آثار اجتماعی اجرای طرح اسکان بر بهبود کیفیت زندگی عشایر، باید از میانگین رتبه‌ای استفاده کرد. با توجه به آنچه در جدول ۹ مشاهده می‌شود، بیشترین تأثیر طرح اسکان را گویه دسترسی به خدمات آموزشی و در مرتبه بعد، گویه دسترسی بیشتر به خدمات فرهنگی دارند.

جدول ۹. مقایسه میانگین گویه‌های سنجش آثار اجتماعی اجرای طرح اسکان بر بهبود کیفیت زندگی

عشایر

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

رتبه	میانگین	میانگین رتبه‌ای	گویه‌های سنجش آثار اجتماعی اجرای طرح اسکان	رتبه	میانگین	میانگین رتبه‌ای	گویه‌های سنجش آثار اجتماعی اجرای طرح اسکان
۳	۴,۳۶	۸,۴۲	امنیت بیشتر	۲	۴,۴۰	۸,۶۳	دسترسی بیشتر به خدمات فرهنگی
۱۳	۳,۵۹	۴,۸۷	کاهش مهاجرت				
۶	۴,۱۸	۷,۶۹	افزایش سطح سواد	۱	۴,۴۱	۸,۷۳	دسترسی به خدمات آموزشی
۷	۴,۰۵	۶,۹۹	همدلی بیشتر بین عشایر	۸	۳,۹۸	۶,۶۳	دسترسی به خدمات بهداشتی
۱۲	۳,۷۶	۵,۰۲	بهبود کیفیت مسکن	۱۱	۳,۸۳	۵,۶۴	دسترسی به خدمات درمانی
۵	۴,۱۹	۷,۷۷	آسایش و رفاه بیشتر	۹	۴,۰۰	۶,۳۹	دسترسی به خدمات ارتباطی
۱۰	۳,۷۴	۵,۸۸	اختلاف کمتر	۴	۴,۳۳	۸,۳۴	دسترسی به خدمات مخابراتی

در ادامه برای بررسی تأثیر اجرای طرح اسکان بر بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی زندگی عشایر، با توجه به اینکه این دو متغیر دارای توزیع نرمال هستند، از آزمون تی تک‌نمونه‌ای استفاده شد. در مجموع نتایج آزمون تی تک‌نمونه‌ای نشان داد که میانگین محاسبه‌شده آثار اقتصادی اجرای طرح اسکان با میانگین فرضی ۳ سنجش شده و ثابت می‌شود که میانگین واقعی نظر کل پاسخ‌گویان (۳,۶۸) بزرگ‌تر از ۳ و متوسط به بیشتر است و با توجه به میزان معناداری به دست آمده برای این متغیر که کمتر از ۰/۰۵ است، معنادار است و قابلیت تعمیم به کل جامعه را دارد. همچنین اختلاف از میانگین و حد بالا و پایین متغیر آثار اقتصادی اجرای طرح اسکان مثبت است؛ یعنی میانگین جامعه در این متغیر بیشتر از مقدار آزمون شده (عدد ۳) است که این نتیجه گویای این است که در کانون‌های مورد بررسی، اجرای طرح اسکان موجب بهبود وضعیت اقتصادی زندگی عشایر شده است. (جدول ۵)؛ بنابراین فرض صفر رد می‌شود و فرض ۱ را مبنی بر اینکه اجرای طرح اسکان موجب بهبود شرایط اقتصادی زندگی عشایر شده است، می‌پذیریم. همچنین میانگین محاسبه‌شده آثار اجتماعی اجرای طرح اسکان با میانگین فرضی ۳ سنجش شده و ثابت می‌شود که میانگین واقعی نظر

کل پاسخ‌گویان بزرگ‌تر از ۳ و برابر با ۴,۰۷ است و با توجه به میزان معناداری به‌دست‌آمده برای این متغیر که کمتر از ۰/۰۵ است، معنادار است و قابلیت تعمیم به کل جامعه را دارد. همچنین اختلاف از میانگین و حد بالا و پایین متغیر آثار اجتماعی اجرای طرح اسکان مثبت است؛ یعنی میانگین جامعه در این متغیر بیشتر از مقدار آزمون‌شده (عدد ۳) است که این نتیجه‌گویی این است که در کانون‌های موردبررسی، اجرای طرح اسکان به بهبود شرایط اجتماعی زندگی عشایر منجر شده است (جدول ۱۰)؛ بنابراین فرض صفر رد می‌شود و فرض ۱ را مبنی بر اینکه اجرای طرح اسکان موجب بهبود شرایط اجتماعی زندگی عشایر شده است، می‌پذیریم.

جدول ۱۰. بررسی میانگین آثار اقتصادی و اجتماعی اجرای طرح اسکان بر بهبود کیفیت زندگی عشایر

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

متغیر	میانگین	انحراف از معیار	آماره T	درجه آزادی	معناداری	اختلاف از فاصله اطمینان در سطح ۹۵ درصد	
						پایین	بالا
آثار اقتصادی	۳,۶۸	۰,۴۶۴	۲۷,۰۷	۲۵۷	۰,۰۰۰	۰,۶۷۸	۰,۶۲۹
آثار اجتماعی	۴,۰۷	۰,۴۹۱	۴۰,۱۴	۲۵۷	۰,۰۰۰	۱,۰۶۶	۱,۰۶

۲.۵. تحلیل تفاوت اثرات اقتصادی-اجتماعی اجرای طرح‌های اسکان، عوامل اصلی تأثیرگذار بر

کیفیت زندگی عشایر در کانون‌های توسعه

برای تحلیل آثار اجرای طرح اسکان در بهبود کیفیت زندگی عشایر در منطقه مطالعه‌شده، از مدل تصمیم‌گیری چندمعیاره وایکور استفاده شد؛ بر این اساس، در گام اول، پس از جمع‌آوری داده‌ها و تبدیل آن‌ها به داده‌های کمی، ماتریس خام هریک از معیارها در محدوده مطالعه‌شده تعریف شد. این ماتریس تصمیم‌گیری از گزینه‌ها (سطرها) و معیارها (ستون‌ها) تشکیل شده است.

جدول ۱۱. ماتریس تصمیم‌گیری در دو بعد اقتصادی و اجتماعی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

بعد	نماد	ده خطیب	نهور	چاه زول	بنیاباد	بعد	نماد	ده خطیب	نهور	چاه زول	بنیاباد
اقتصادی	G1	۴,۵۳	۴,۴۴	۴,۶۰	۴,۳۸	اقتصادی	G16	۳,۲۸	۳,۱۶	۲,۶۳	۲,۵۹
	G2	۴,۷۹	۴,۷۲	۴,۸۵	۴,۷۱		G17	۳,۵۵	۳,۳۶	۳,۱۹	۳,۰۹
	G3	۴,۰۷	۳,۶۸	۳,۸۹	۳,۹۱	اجتماعی	E1	۴,۶۷	۴,۲۸	۴,۳۱	۴,۴۳
	G4	۴,۳۶	۴,۱۲	۴,۰۸	۳,۸۸		E2	۴,۶۰	۴,۲۴	۴,۴۲	۴,۳۴
	G5	۳,۶۲	۳,۲۸	۳,۳۰	۳,۱۱		E3	۴,۳۱	۳,۹۶	۳,۹۲	۳,۹۱
	G6	۳,۶۶	۳,۰۸	۲,۸۸	۳,۰۷		E4	۴,۰۹	۳,۹۶	۳,۷۴	۳,۷۹
	G7	۴,۳۸	۴,۲۴	۴,۳۷	۴,۱۴		E5	۴,۱۹	۴,۰۸	۳,۸۹	۴,۰۳
	G8	۳,۶۴	۳,۰۸	۲,۷۱	۳,۰۵		E6	۴,۵۲	۴,۲۸	۴,۳۴	۴,۲۵
	G9	۴,۲۶	۳,۸۴	۴,۲۴	۴,۱۴		E7	۴,۵۷	۴,۴۸	۴,۳۳	۴,۲۹
	G10	۴,۱۷	۳,۶۸	۳,۸۱	۳,۷۸		E8	۳,۸۶	۳,۷۶	۳,۵۶	۳,۴۸
	G11	۴,۰۷	۳,۶۴	۴,۰۳	۳,۹۹		E9	۴,۲۹	۴,۱۲	۴,۱۷	۴,۱۴
	G12	۴,۱۶	۳,۷۲	۳,۹۹	۳,۸۷		E10	۴,۳۴	۴,۰۴	۳,۹۹	۳,۹۹
	G13	۳,۳۳	۳,۳۲	۳,۰۸	۳,۰۹		E11	۳,۸۳	۵,۸۰	۳,۶۳	۳,۴۴
	G14	۳,۷۹	۳,۰۰	۳,۱۰	۳,۱۶		E12	۴,۴۵	۴,۲۰	۴,۲۳	۴,۰۱
	G15	۳,۶۲	۳,۲۸	۳,۲۶	۳,۰۵		E13	۴,۰۷	۳,۹۲	۳,۶۴	۳,۶۶

سپس برای نرمال‌سازی ماتریس از رابطه زیر استفاده شد:

$$f_{ij} = \frac{x_{ij}}{\sqrt{\sum_{j=1}^n x_{ij}^2}}, \quad i = 1, 2, \dots, m; \quad j = 1, 2, \dots, n$$

که در آن، x_{ij} مقدار اولیه و f_{ij} مقدار نرمال‌شده گزینه i ام و بعد j ام است. نتیجه داده‌های

نرمال‌شده ماتریس نرمال است.

در گام بعدی به تعیین بهترین و بدترین مقدار برای همه توابع معیارها اقدام شد؛ به طوری که اگر تابع معیار نشان‌دهنده سود (مثبت) باشد، بهترین و بدترین مقادیر براساس

رابطه زیر محاسبه می‌شود:

$$f_i^* = \max_j f_{ij}, \quad f_i^- = \min_j f_{ij}$$

و اگر تابع معیار نشان‌دهنده هزینه (منفی) باشد، بهترین و بدترین مقادیر براساس رابطه زیر محاسبه می‌شود:

$$f_i^* = \min_j f_{ij} \quad , \quad f_i^- = \max_j f_{ij}$$

به این ترتیب می‌توان بهترین و بدترین مقادیر را برای معیارها مشخص کرد. در مرحله بعد به تعیین وزن برای هر کدام از شاخص‌ها اقدام شد؛ زیرا برای بیان اهمیت نسبی شاخص‌ها/معیارها باید وزن نسبی آن‌ها را تعیین کرد؛ بر این اساس، روش‌های گوناگون مانند ANP، AHP، Linmap آنتروپی شانون، بردار ویژه، توان رتبه‌ای وجود دارد که متناسب با نیاز می‌توان از آن‌ها استفاده کرد. در پژوهش حاضر از روش آنتروپی شانون برای تعیین وزن شاخص‌ها استفاده شد (جدول ۱۲).

جدول ۱۲. وزن شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

اجتماعی			اقتصادی				بعد
E3	E2	E1	G4	G3	G2	G1	نماد
۰,۰۲۶۸۵	۰,۰۱۵۲۱	۰,۰۱۹۴۱	۰,۰۲۸۰۷	۰,۰۲۰۴۹	۰,۰۰۲۵۰	۰,۰۰۵۹۷	وزن
E6	E5	E4	G8	G7	G6	G5	نماد
۰,۰۰۸۷۹	۰,۰۱۱۵۰	۰,۰۲۰۲۰	۰,۱۸۲۰۶	۰,۰۰۸۷۱	۰,۱۳۲۰۳	۰,۰۴۸۹۶	وزن
E9	E8	E7	G12	G11	G10	G9	نماد
۰,۰۰۳۹۳	۰,۰۲۷۴۳	۰,۰۱۰۲۴	۰,۰۲۶۶۹	۰,۰۳۱۳۵	۰,۰۳۷۰۹	۰,۰۲۷۲۹	وزن
E12	E11	E10	G16	G15	G14	G13	نماد
۰,۰۲۲۰۴	۰,۷۷۷۲۰	۰,۰۲۱۱۴	۰,۱۷۷۳۸	۰,۰۶۱۲۷	۰,۱۴۲۷۲	۰,۰۲۲۴۲	وزن
مجموع		E13	مجموع			G17	نماد
۱,۰۰۰۰۰		۰,۰۳۶۰۷	۱,۰۰۰۰۰			۰,۰۴۵۰۱	وزن

در مرحله بعد، فاصله هر گزینه از راه‌حل ایده آل مثبت محاسبه می‌شود و سپس، محاسبه تجمیع آن براساس رابطه‌های زیر صورت می‌گیرد:

$$S_j = \sum_{i=1}^n \frac{w_i (f_{ij}^* - f_{ij})}{f_j^* - f_j^-}$$

$$R_j = \max_j [w_i(f_{ij}^* - f_{ij}) / (f_j^* - f_j^-)]$$

که در آن، S_j فاصله از گزینه i نسبت به راه‌حل ایده‌آل (ترکیب بهترین) و R_j فاصله گزینه i از راه‌حل ایده‌آل منفی (ترکیب بدترین) است. رتبه‌بندی عالی براساس S_j و رتبه‌بندی بد براساس مقادیر R_j انجام می‌شود.

جدول ۱۳. ضرب اوزان معیارها در ماتریس تصمیم‌گیری و محاسبه S_j و R_j

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

اجتماعی		اقتصادی		بعد
R_j	S_j	R_j	S_j	کانون‌های اسکان
۰,۶۴۹۵	۰,۶۴۹۵	۰,۰۰۲۰	۰,۰۰۳۰	ده خطیب
۰,۰۲۳۲	۰,۱۳۴۹	۰,۱۴۳۰	۰,۶۳۸۰	نهور
۰,۷۱۳۹	۰,۹۰۵۰	۰,۱۸۲۰	۰,۸۰۳۰	چاه زول
۰,۷۷۷۲	۰,۹۷۶۸	۰,۱۷۷۰	۰,۷۹۶۰	بنیاباد

در نهایت مقدار Q_i از طریق رابطه زیر محاسبه می‌شود:

$$Q_i = v \left[\frac{S_i - S^*}{S^- - S^*} \right] + (1 - v) \left[\frac{R_i - R^*}{R^- - R^*} \right]$$

که در آن،

$$S^* = \min_j S_j, S^- = \max_j S_j$$

$$R^* = \min_j R_j, R^- = \max_j R_j$$

v وزن راهبرد (اکثریت معیارها) یا حداکثر مطلوبیت گروهی است. میزان فاصله از راه‌حل ایده‌آل مثبت گزینه i ام را نشان می‌دهد؛ به بیان دیگر، نشان‌دهنده فاصله از راه‌حل ایده‌آل منفی برای گزینه i ام است. در صورتی که $v > 0.5$ باشد، شاخص Q_i دارای حداکثر توافق بوده و زمانی که $v < 0.5$ باشد، این شاخص نشان‌دهنده حداکثر نگرش منفی است. در کل، $v = 0.5$ به معنی توافق گروهی برابر است. براساس مقادیر Q_i گزینه‌ها که در مرحله ششم محاسبه شد، می‌توان به رتبه‌بندی گزینه‌ها پرداخت. گزینه‌های دارای مقدار Q_i بیشتر در اولویت بالاتر و بدتر قرار می‌گیرند و مقادیر Q_i کوچک‌تر به معنی رتبه پایین‌تر و

بهرتر است؛ بنابراین براساس محاسبات، کانون‌های نهور و ده خطیب با توجه به شاخص‌های آثار اقتصادی و اجتماعی اجرای طرح اسکان بر بهبود کیفیت زندگی در منطقه مطالعه‌شده، در بهترین رتبه قرار دارند و کانون‌های چاه زول و بنیاباد در پایین‌ترین رتبه قرار می‌گیرند (جدول ۱۴).

جدول ۱۴. محاسبه مقدار Q و رتبه‌بندی نهایی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

اجتماعی		اقتصادی		بعد
رتبه	Q	رتبه	Q	کانون‌های اسکان
۲	۰,۷۲۰۹	۱	۰,۰۰۰۰	ده خطیب
۱	۰,۰۰۰۰	۲	۰,۷۸۷۹	نهور
۳	۰,۹۱۵۴	۴	۱,۰۰۰۰	چاه زول
۴	۱,۰۰۰۰	۳	۰,۹۸۲۶	بنیاباد

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

یکی از راهبردهای توسعه جامعه عشایری، سامان‌دهی و اسکان عشایر است که عمدتاً با هدف توسعه و عمران جامعه عشایری، محرومیت‌زدایی و خدمات‌رسانی بهتر به این جامعه انجام می‌گیرد. هدف پژوهش حاضر، ارزیابی اجرای طرح‌های اسکان در بهبود کیفیت زندگی عشایر شهرستان خواف بود. نتایج تحقیق نشان داد که بیشترین تأثیر اجرای طرح اسکان به بعد اجتماعی کیفیت زندگی مربوط بود؛ به طوری که بیشترین تأثیر آن بر ارائه خدمات فرهنگی، آموزشی، بهداشتی، ارتباطی و مخایراتی بوده است. یکی از ابعاد بسیار مهم در زمینه کیفیت زندگی بهبود وضعیت اقتصادی ساکنان است؛ بر این اساس، ضروری است تا مسئولان و دست‌اندرکاران به طور جامع‌تر به مسئله طرح‌های اسکان بنگرند و آنچه مهم‌تر می‌نماید، برنامه‌ریزی بعد از اجرای طرح‌های اسکان است که در موفقیت این گونه طرح‌ها بسیار تأثیرگذار است.

مقایسه تطبیقی نتایج تحقیق حاضر با نتایج سایر پژوهش‌ها بیانگر آن است که نتایج حاصل از آزمون تی تک‌نمونه‌ای نشان داد، اجرای طرح اسکان به بهبود شرایط اقتصادی عشایر منجر شده است. نتایج مدل واس پاس نیز نشان داد که در کانون‌های نهور و ده خطیب با توجه به شاخص‌های آثار اقتصادی و اجتماعی اجرای طرح اسکان بر بهبود کیفیت زندگی در منطقه مطالعه شده در بهترین رتبه قرار دارند و کانون‌های چاه زول و بنیاباد در پایین‌ترین رتبه قرار می‌گیرند؛ بنابراین طبق مشاهده‌های میدانی به نظر می‌رسد، علت رتبه بالاتر دو کانون ده خطیب و نهور در مقایسه با کانون‌های چاه زول و بنیاباد، مشارکت زیاد مردمی، جمعیت کمتر، مدیران محلی موفق‌تر، سطح سواد بیشتر، قانع بودن، آلودگی کمتر به خصوص جوانان به مواد مخدر (در کانون نهور در سال ۱۳۹۶ جشن روستای پاک گرفته شد)، دام بیشتر، کشاورزی در کنار دامداری، واگذاری اراضی مرتعی، منابع آبی بیشتر، استفاده از طرح‌های تولیدی جدید، استفاده بیشتر از تسهیلات بانکی و... باشد؛ بنابراین این نتیجه با نتیجه تحقیقات شاطری و صادقی (۱۳۹۱)، رحیمی (۱۳۸۸) و محمودی و نوروزیان (۱۳۹۴) هم‌راست است.

با توجه به نتایج پژوهش و بررسی‌های میدانی، پیشنهادهایی به شرح ذیل ارائه می‌شود:

- بسیاری از معادن سنگ آهن خواف، در مراتع در اختیار عشایر احداث و اجرا می‌شود؛ بنابراین سهمی از سود معادن به‌منظور پیشرفت، آبادانی و توانمندسازی مناطق عشایری شهرستان اختصاص یابد؛
- با هماهنگی و تصمیم‌گیری شورای تأمین استان و شهرستان، مراتع بین مرزی ایران و افغانستان که به عشایر متعلق است و بیش از یک دهه است که بدون استفاده مانده است، به چرای دام عشایر تخصیص یابد؛
- حل شدن اختلافات مرتعی کانون توسعه عشایری بنیاباد با روستاهای هم‌جوار؛
- دادن مجوز لازم از طریق شرکت آب منطقه‌ای استان برای استفاده کانون عشایری بنیاباد از آب رودخانه مرزی کال شور به‌منظور استفاده در امور کشاورزی و دامداری (با توجه به خروج آب از کشور)؛
- تأمین اعتبار به‌منظور اجرای طرح‌های مطالعه شده در کانون‌های نهور و بنیاباد؛

- تقویت و حمایت از شرکت تعاونی عشایری کویرنشینان شهرستان خواف با توجه به عضویت صددرصدی عشایر در آن تعاونی و ارائه خدمات و حمایت‌های بسیار ارزنده تعاونی از عشایر عضو و همچنین رضایت زیاد عشایر از تعاونی مذکور؛
- با توجه به جمعیت زیاد شتر در شهرستان خواف، تشکیل شرکت تعاونی شترداران با مرکزیت کانون عشایری چاه زول پیشنهاد می‌شود.

کتابنامه

۱. ابراهیمی، م.، و صادقی، ع. (۱۳۸۶). معرفی کتاب: سیاست‌گذاری اجتماعی برای توسعه (نوشته آنتونی هال و جیمز میجلی). *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۲۹، ۲۰۲-۲۰۷.
۲. ازکیا، م.، و غفاری، غ. (۱۳۸۸). *توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران* (چاپ سوم). تهران: نشر نی.
۳. آسایش، ط.، و امیر عضدی. ط. (۱۳۸۵). بررسی اثرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اسکان عشایر، در شهرستان کازرون استان فارس. *جغرافیای سرزمین*، ۳(۳)، ۱۳۷-۱۶۲.
۴. امان‌اللهی بهاروند، ا. (۱۳۸۴). زوال کوچ‌نشینی در ایران، یکجانشینی ایلات و عشایر. *فصلنامه مطالعات ملی*، ۵(۱)، ۱۵۵-۱۸۳.
۵. بازیان، غ.، داهلان، ا.، مهرابی، ع. ا.، و شاه وحید، م. (۱۳۸۵). مقایسه اقتصادی کوچ و اسکان عشایر در دشت بکان استان فارس، *تحقیقات مرتع و بیابان ایران*، ۱۳(۳)، ۲۴۸-۲۶۴.
۶. بخشنده نصرت، ع.، و میراج، ف. (۱۳۹۰). *جامعه و منطقه بندی جمعیت عشایر کوچنده ایران*. تهران: نشر نصرت.
۷. جمشیدی، ع.، صیدایی س. ا.، جمشیدی، م.، و جمینی د. (۱۳۹۲). تحلیلی بر اثرگذاری اشتغال زنان مناطق عشایری بر اقتصاد خانوارهای آن‌ها (مطالعه موردی: عشایر شهرستان چراداول). *برنامه ریزی منطقه‌ای*، ۳(۱۲)، ۸۳-۹۲.
۸. حسین زاده، د.، و میرزایی، س. (۱۳۸۶). کیفیت زندگی کاری و تأثیر آن بر بهره‌وری. *فصلنامه مدیریت*، ۱۸(۱۲۳)، ۱۷.
۹. خاکی پور، ل.، بارانی، ح.، دريجانی، ع.، و کریمان، ر. (۱۳۹۰). بررسی سهم مرتع در درآمد دامداری خانوار عشایری (مطالعه موردی: حوزه آبخیز همیان). *مجله علمی پژوهشی مرتع*، ۵(۴)، ۴۳۰-۴۳۶.

۱۰. دهقانی، ا.، صیدائی، س. ا.، و شفقی. س (۱۳۹۱). سنجش و توسعه شاخص‌های کیفیت زندگی در کانون‌های اسکان عشایری (مطالعه موردی: کانون‌های اسکان عشایری استان‌های فارس و اصفهان). *تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، ۱۲(۲۷)، ۷۷-۹۶.
۱۱. دهقانیان، س.، و کهنسال. م. ر. (۱۳۸۷). بررسی ساختار اجتماعی-فرهنگی عشایر خراسان. *مجله دانش و توسعه*، ۶(۷ و ۶)، ۱۴۷-۱۱۸.
۱۲. دوپلانول، گ. (۱۳۸۳). *کوچ‌نشینان و شبانان* (م. ح. پاپلی یزدی، مترجم). تهران: سمت.
۱۳. رحیمی، ا.، و مشیری. س. ر. (۱۳۸۸). بررسی آثار فضایی، اقتصادی و اجتماعی اسکان عشایر در آذربایجان غربی. *نشریه جغرافیای سرزمین*، ۲۱، ۱-۱۳.
۱۴. رضوانی، م. ر.، و منصوریان، ح. (۱۳۸۸). سنجش کیفیت زندگی: بررسی مفاهیم، شاخص‌ها، مدل‌ها و ارائه مدل پیشنهادی برای نواحی روستایی. *فصلنامه روستا و توسعه*، ۱۱(۳)، ۱-۲۶.
۱۵. افتخاری، ر.، مهدی پور طاهری، ع.، و فتاحی. ا. (۱۳۹۰). ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستایی، (مطالعه موردی: دهستان خاوه شمالی، استان لرستان). *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ۴۳(۲)، ۱۳-۳۳.
۱۶. ریاحی، و.، و عزمی، ا. (۱۳۹۲). بررسی نقش طرح‌های اسکان در توسعه اقتصادی و اجتماعی عشایر (مطالعه موردی: کانون‌های اسکان استان کهگیلویه و بویراحمد). *نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، ۱۳(۲۸)، ۹۵-۱۱۲.
۱۷. سازمان امور عشایر ایران. (۱۳۸۳). *کانون‌های توسعه عشایر*. تهران: دفتر مطالعات سازمان امور عشایر.
۱۸. سازمان امور عشایر ایران. (۱۳۸۴). *سند فرابخشی توسعه جامعه عشایری*. تهران.
۱۹. سازمان امور عشایر. (۱۳۹۰). *سند عمران مناطق عشایری*. تهران.
۲۰. سرور، ر. (۱۳۷۴). نقطه نظراتی در مورد چگونگی سازمان‌دهی جامعه عشایری در طرح‌های جامع شهرستان. *جهاد*، ۱۵(۱۸۰)، ۱-۵.
۲۱. شاطری، م.، و صادقی. ح. ا. (۱۳۹۱). واکاوی اثرات اقتصادی-اجتماعی اسکان خودجوش عشایر بخش دهدز شهرستان ایذه. *برنامه‌ریزی فضایی*، ۲(۲)، ۱۵۰-۱۲۸.
۲۲. شکور، ع.، طیبی، ح. ر.، باقرزاده، م. ص.، و واحد پور. غ. ع. (۱۳۹۲). سنجش عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر اسکان عشایر در استان فارس. *برنامه‌ریزی منطقه‌ای (دانشگاه آزاد مرودشت)*، ۳(۹)، ۱-۱۱.

۲۳. صلاح، م.، و نعمتی، م. ع. (۱۳۹۵). پیامدهای طرح اسکان عشایر بر حیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی لرستان. پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، (۱۹)، ۱۴۵-۱۷۰.
۲۴. صیدایی، س.ا. (۱۳۷۷). توسعه پایدار جامعه عشایری ایران در آینده (چارچوب نظری، استراتژی‌های توسعه). نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، (۱۴)، ۸۳-۱۰۰.
۲۵. فرج‌زاده، ح.، مهدوی، د.، و نظری، ا. ک. (۱۳۹۵). بررسی و تحلیل آثار و پیامدهای اسکان عشایر بر تخریب مراتع. سومین کنفرانس بین‌المللی علوم جغرافیایی، شیراز.
۲۶. قرقانی، ط. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر اسکان بر معیشت پایدار عشایر در شهرستان سمیرم (پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده). دانشگاه گرگان، گرگان، ایران.
۲۷. کرم‌پور، ا. (۱۳۶۶). عشایر و توسعه اسکان عشایر به‌منظور درون‌زا. فصلنامه عشایر ذخایر / انقلاب، (۳۱).
۲۸. کریمی، ا. (۱۳۹۰). قبایل و عشایر بررسی معنا و مفهوم عشایر در مطالعات قوم‌شناسی. فرهنگ مردم، (۳۷ و ۳۸)، ۱۲۶-۱۳۸.
۲۹. کشاورز، ه.، و ناظم رضوی، م. (۱۳۵۳). عشایر و مسائل توسعه. تهران: مطالعات و تحقیقات اجتماعی. بخش مطالعات عشایری.
۳۰. کفیل‌زاده، ف.، اسمعیلی‌زاده، ع.، و سیدان، م. (۱۳۸۱). اقتصاد تولید بخش دامداری عشایر کوچنده و اسکان‌یافته (مطالعه موردی ایل کرد). اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۱۰ (۳۸)، ۲۰۱-۲۲۳.
۳۱. لشکری، ح.، عقیقی، م. ا.، و پربار، ز. (۱۳۹۲). تحلیل و بررسی تأثیر نوسانات اقلیمی بر کوچ عشایر فارس (مطالعه موردی طایفه عمله). فصلنامه علمی-پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۵ (۳)، ۱۸۸-۲۰۶.
۳۲. لطفی، ص. (۱۳۸۸). مفهوم کیفیت زندگی شهری: تعاریف، ابعاد و سنجش آن در برنامه‌ریزی شهری. مجله نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۱ (۴)، ۶۵-۸۰.
۳۳. مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). <https://www.amar.org.ir>
۳۴. مشیری، س. ر. (۱۳۹۱). جغرافیای کوچ‌نشینی (چاپ پنجم). تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
۳۵. مطیعی لنگرودی، س. ح.، قدیری معصوم، م.، رضوانی، م. ر.، نظری، ع.، و صحنه، ب. (۱۳۹۰). تأثیر بازگشت مهاجران به روستاها در بهبود معیشت ساکنان (مطالعه موردی: شهرستان آق‌قلا). پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، ۱۸، ۶۷-۸۴.

۳۶. مهدوی، م.، رضایی، پ.، و قدیری معصوم، م. (۱۳۸۶). روستاهای برآمده از اسکان عشایر و چالش‌های آن. فصلنامه روستا و توسعه، ۱۰(۱)، ۶۱-۶۲.
۳۷. نصیری، س.، احمدی، س.ع.، یاوری، غ.، امیرخانی، ا.، و مهدیان، ا. (۱۳۹۱). الگویی برای برنامه‌ی راهبردی ساماندهی عشایر استان تهران. فصلنامه روستا و توسعه، ۱۵(۱)، ۴۳-۶۳.
۳۸. نوروزی، ا.، و محمودیان، م. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی عشایر اسکان‌یافته و اسکان‌نیافته. برنامه‌ریزی فضایی، ۵(۴)، ۱۷-۳۸.
۳۹. ورمزیاری، ح.، و حسینی، م. (۱۳۸۸). بررسی میزان مشارکت عشایر بخش دیشموک، در طرح‌های توسعه روستایی. جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، ۲۰(۳)، ۱۱۰-۱۱۸.
40. Epley, D., & Menon, M. (2008). A method of assembling cross-sectional indicators into a community quality of life. *Social Indicators Research*, 88, 281-296.
41. Larsen, K. et al. (2003). *Sedentarization of Nomadic people: The case of study Hawawir in Um Jawasir Northern Sudan*. Dry Lands Coordination Group (DCG), Report No. 24. Retrieved from <http://www.drylands-group.org>.
42. Mocellin, J., & Foggin, P. (2008). Health status and geographic mobility among semi-nomadic pastoralists in Mongolia. *Health & Place*, 14(2), 228-242.
43. Parker, J. S., & Moore, R. H. (2008). Consternation use and quality of life in rural community: an extension of Goldschmidt findings. *Southern Rural Sociology*, 23(1), 235-226.
44. Schmitt, R. B. (2002). Considering social capital in quality of life assessment: Concept and measurement. *Social Indicators Research*, 58(1-3), 403-428.
45. Teitelbaum, C., & Mueller, T. (2019). Beyond migration: Causes and consequences of nomadic animal movements. *Trends in Ecology & Evolution*, 34(6), 569-581.
46. Vassa, S. (2001). Sedentarization of pastoral nomads. Retrieved from www.vassa.net/saloni/nomads.htm
47. Zavadskas, K., Turskis, Z., Antucheviciene, J. & Zakarevicius, A. (2012). Optimization of weighted aggregated sum product assessment. *Elektronika Ir Elektrotechnika*, 122(6), 3-6.